

قانون تجارت

مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

مصوب ۱۳۱۱،۰۲،۱۳

با اصلاحات و الحاقات بعدی



باب اول

تجار و معاملات تجارتي

ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولي خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.

ماده ۲ - معاملات تجارتي از قرار ذیل است:



۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بقصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتي در آن شده یا نشده باشد.

۲) تصدي به حمل و نقل از راه خشكي یا آب یا هوا بهر نحوي که باشد.

۳) هر قسم عملیات دلالي یا حق‌العمل کاري (کمیسیون) و یا عاملي و همچنین تصدي بهر نوع تأسیساتي که برای انجام بعضي امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملكي یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصي نباشد.

۵) تصدي بعملیات حراجي.

۶) تصدي بهر قسم نمایشگاههاي عمومي.

۷) هر قسم عملیات مرافي و بانكي.

۸) معاملات برواتي اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.



۹) عملیات بیمه بحري و غیر بحري

۱۰) کشتي سازي و خرید و فروش کشتي و کشتيراني داخلي یا خارجي و معاملات راجعه به آنها.

ماده ۳ - معاملات ذیل باعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب میشود:

۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و مرافان و بانکها.

۲) کلیه معاملاتي که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود مینماید.

۳) کلیه معاملاتيکه اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود مینماید.

۴) کلیه معاملات شرکت هاي تجارتي.



ماده ۴ - معاملات غیر منقول بهیچوجه تجارتي محسوب نمیشود.

ماده ۵ - کلیه معاملات تاجر تجارتي محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط بامور تجارتي نیست.

باب دوم

دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

فصل اول - دفاتر تجارتي

ماده ۶ - هر تاجري به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه بموجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد:

۱) دفتر روزنامه.

۲) دفتر کل.

۳) دفتر دارائي.

۴) دفتر کپی.

قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را بهر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یکمرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتر دارائی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را بریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپییه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن بترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز بترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپییه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد بتوسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپییه امضاء مزبور لازم نیست ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد.

حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.



ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء بمتصدی امضاء تسلیم میشود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آنرا با تصریح باسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سرب که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه مینماید منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.



ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید بترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حاک کردن و همچنین جایی سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاهدارد.

ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود بکار میبرند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر - در امور تجاری - سندیت خواهد داشت و غیر اینصورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.



ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.



فصل دوم - دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط بشغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی باستثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا بجزای نقدی از ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.



ماده ۱۷ - مقررات مربوطه بدفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح بموضوعاتی که باید به ثبت برسد بموجب نظامنامه معین خواهد کرد.



ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف بثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره بثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق بجزای نقدی از ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم می شود.



ماده ۱۹ - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.



باب سوم

شرکتهای تجاری



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

فصل اول

در اقسام مختلفه شرکت ها و قواعد راجعه بآنها

ماده ۲۰ - شرکتهای تجارتی بر هفت قسم است:

- ۱) شرکت سهامی.
- ۲) شرکت با مسئولیت محدود.
- ۳) شرکت تضامنی.
- ۴) شرکت مختلط غیر سهامی.
- ۵) شرکت مختلط سهامی.
- ۶) شرکت نسبی.
- ۷) شرکت تعاونی تولید و مصرف.

مبحث اول

شرکتهای سهامی



بخش ۱ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷)

تعریف و تشکیل شرکت سهامی

ماده ۱ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن بسهم تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود بمبلغ اسمی سهام آنها است.

ماده ۲ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب میشود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

ماده ۳ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

ماده ۴ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم میشود:

نوع اول - شرکتهائی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام بمردم تأمین میکنند. اینگونه شرکتها شرکت سهامی عام نامیده میشوند.

نوع دوم - شرکتهائی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسين تأمین گردیده است. اینگونه شرکتها شرکت سهامی خاص نامیده میشوند.



تبصره (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی عام عبارت شرکت سهامی عام و در شرکتهای سهامی خاص عبارت شرکت سهامی خاص باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی ها [آگهی های] شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.



ماده ۵ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در موقع تأسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از يك میلیون ریال نباید کمتر باشد.

در صورتیکه سرمایه شرکت بعد از تأسیس بهر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یکسال نسبت بافزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت بنوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع میتواند انحلال آنرا از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده ۶ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - برای تأسیس شرکتهای سهامی عام مؤسسين باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران بداره ثبت شرکتها و در شهرستانها بدایره ثبت شرکتها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين بصورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آنرا در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن بمرجع ثبت شرکتها تسلیم نمایند.

ماده ۷ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد:

- ۱ - نام شرکت
- ۲ - هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين
- ۳ - موضوع شرکت
- ۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن بتفکیک
- ۵ - تعداد سهام با نام و بی نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام
- ۶ - میزان تعهد هر يك از مؤسسين و مبلغی که پرداخت کرده اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. درمورد آورده غیر نقد

معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات - معاونت حقوقی ریاست جمهوری (Qavanin.ir)



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیر نقد اطلاع حاصل نمود.

۷ - مرکز اصلی شرکت.

۸ - مدت شرکت. 

ماده ۸(الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

۱ - نام شرکت

۲ - موضوع شرکت بطور صریح و منجز

۳ - مدت شرکت

۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد.

۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک.

۶ - تعداد سهام بی‌نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام.

۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که بهر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود.

۸ - نحوه انتقال سهام بانام.

۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام و بالعکس.

۱۰ - در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب [ترتیب] آن.

۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.

۱۲ - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.

۱۳ - مقررات راجع بحد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.

۱۴ - طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.

۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفا میکنند یا محجور یا معزول یا بجهت قانونی ممنوع میگردند.

۱۶ - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.

۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید بصندوق شرکت بسپارند.

۱۸ - قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس.

۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.

۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.

۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه. 

ماده ۹(الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱ - نام شرکت

۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌هایی که شرکت بمنظور آن تشکیل میشود.

۳ - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه مورد نظر باشد.

۴ - مدت شرکت.

۵ - هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسين، در صورتی که تمام یا بعضی از مؤسسين در امور مربوط بموضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاربی داشته باشند ذکر آن به اختصار.

۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.

۷ - در صورتی که مؤسسين مزایائی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل.

۸ - تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسين تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند.

۹ - ذکر هزینه‌هایی که مؤسسين تا آنموقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآوردهزینه‌هایی لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت.

۱۰ - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آنمراجع.

۱۱ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید توسط پذیرهنویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیرهنویسی نقداً پرداخت گردد.

۱۲ - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آنحساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی‌علاقه میتوانند برای پذیرهنویسی و پرداخت مبلغ نقدی ببانک مراجعه کنند.

۱۳ - تصریح باینکه اظهارنامه مؤسسين بانضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان بمرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است.

۱۴ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس منحصراً در آن منتشر خواهد شد.

۱۵ - چگونگی تخصیص سهام به پذیرهنویسان. 

ماده ۱۰(الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضmann آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را

صادرخواهد نمود. 



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۱(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - اعلامیه پذیرهنویسی باید توسط مؤسسين در جرايد آگهي گريديه و نيز در بانكي كه تعهد سهام نزد آن صورت ميگيرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. 

ماده ۱۲(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - ظرف مهلي كه در اعلاميه پذيرهنويسي معين شده است علاقمندان ببانك مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلي را كه نقداً بايد پرداخت شود تأديه و رسيد دريافت خواهند كرد.



ماده ۱۳(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - ورقه تعهد سهم بايد مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- نام و موضوع و مركز اصلي و مدت شركت

۲- سرمايه شركت.

۳- شماره و تاريخ اجازه انتشار اعلاميه پذيرهنويسي و مرجع صدور آن.

۴- تعداد سهامی كه مورد تعهد واقع ميشود و مبلغ اسمي آن و همچنين مبلي كه از آن بابت نقداً در موقع پذيرهنويسي بايد پرداخت شود.

۵- نام بانك و شماره حسابي كه مبلغ لازم توسط پذيرهنويسان بايد به آنحساب پرداخت شود.

۶- هويت و نشاني كامل پذيرهنويس.

۷- قيد اينكه پذيرهنويس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شركت پرداخت نمايد.



ماده ۱۴(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظيم و با قيد تاريخ بامضاء پذيرهنويس يا قائم مقام قانوني او رسیده نسخه اول نزد بانك نگاهداري و نسخه دوم با قيد رسيد وجه و مهر و امضاء بانك به پذيرهنويس تسليم ميشود.



تبصره (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در صورتيكه ورقه تعهد سهم را شخصي براي ديگري امضاء كند هويت و نشاني كامل و سمت امضاء كننده قيد و مدرک سمت او اخذ و ضميمه خواهد شد.



ماده ۱۵(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - امضاء ورقه تعهد سهم بخودي خود مستلزم قبول اساسنامه شركت و تصميمات مجامع عمومي صاحبان سهام مي باشد. 

ماده ۱۶(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - پس از گذشتن مهلي كه براي پذيرهنويسي معين شده است و يا در صورتيكه مدت تمديد شده باشد بعد از انقضاي مدت تمديد شده مؤسسين حداكثر تا يكماه بتعهدات پذيرهنويسان رسيدگي و پس از احراز اينكه تمام سرمايه شركت صحيحاً تعهد گريديه و اقلاسي و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر يك از تعهدكنندگان را تعيين و اعلام و مجمع عمومي مؤسس را دعوت خواهند نمود. 

ماده ۱۷ (اصلاحي ۱۱, ۲۲, ۱۳۵۳) - مجمع عمومي مؤسس با رعايت مقررات اين قانون تشكيل ميشود و پس از رسيدگي و احراز پذيرهنويسي كلييه سهام شركت و تأديه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شركت و تصويب آن اولين مديران و بازرس يا بازرسان شركت را انتخاب ميكند. مديران و بازرسان شركت بايد كتباً قبول سمت نمايند قبول سمت بخودي خود دليل بر اين است كه مدير و بازرس با علم بتكاليف و مسئوليتهاي سمت خود عهده دار آن گريديه اند از اين تاريخ شركت تشكيل شده محسوب ميشود. 

تبصره (الحاقی ۱۱, ۲۲, ۱۳۵۳) - هر گونه دعوت و اطلاعيه براي صاحبان سهام تا تشكيل مجمع عمومي سالانه بايد در دو روز نامه كثيرالانتشار منتشر شود يكي از اين دو روز نامه بوسيله مجمع عمومي مؤسس و روز نامه ديگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگريدي تعيين ميشود.



ماده ۱۸(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - اساسنامه اي كه بتصويب مجمع عمومي مؤسس رسیده به ضميمه صورت جلسه مجمع و اعلاميه قبولي مديران و بازرسان جهت ثبت شركت بمرجع ثبت شركتها تسليم خواهد شد. 

ماده ۱۹(الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در صورتيكه شركت تا ششماه از تاريخ تسليم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ اين قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر يك از مؤسسين يا پذيرهنويسان مرجع ثبت شركتها كه اظهارنامه به آن تسليم شده است گواهينامه اي حاكي از عدم ثبت شركت صادر و ببانكي كه تعهد سهام و تأديه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال ميدارد تا مؤسسين و پذيرهنويسان ببانك مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختي خود را مسترد دارند. در اين صورت هر گونه هزينه اي كه براي تأسيس شركت پرداخت يا تعهد شده باشد بعهده مؤسسين خواهد بود. 

ماده ۲۰(اصلاحي ۰۹, ۰۲, ۱۳۴۸) - براي تأسيس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسليم اظهارنامه به ضميمه مدارك زیر بمرجع ثبت شركتها كافي خواهد بود:

۱- اساسنامه شركت كه بايد بامضاء كلييه سهامداران رسیده باشد.

۲- اظهارنامه مشعر بر تعهد كلييه سهام و گواهينامه بانكي حاكي از تأديه قسمت نقدي آن كه نبايد كمتر از سي و پنج درصد كل سهام باشد. اظهارنامه مذکور بايد بامضاي كلييه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام يا قسمتي از سرمايه بصورت غير نقد باشد بايد تمام آن تأديه گريديه و صورت تقويم آن به تفكيك در اظهارنامه منعكس شده باشد و در صورتيكه سهام ممتازه وجود داشته باشد بايد شرح امتيازات و موجبات آن در اظهارنامه منعكس شده باشد.

۳- انتخاب اولين مديران و بازرس يا بازرسان شركت كه بايد در صورت جلسه اي قيد و به امضاي كلييه سهامداران رسیده باشد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

۴- قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷.

۵- ذکر نام روز نامه کثیرالانتشاری که هر گونه آگهی راجع بشرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.



تبصره (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکتهای سهامی عام مقرر است در مورد شرکتهای سهامی خاص لازم‌الرعایه نخواهد بود.



ماده ۲۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی خاص نمیتوانند سهام خود را برای پذیرهنویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام بنحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

ماده ۲۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکتهای سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.

ماده ۲۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - موسسین شرکت نسبت بکلیه اعمال و اقداماتی که بمنظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام میدهند مسئولیت تضامنی دارند.

بخش ۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷)



ماده ۲۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی میباشد ورقه سهم سند قابل معامله‌ایست که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - سهم ممکنست بانام و یا بی‌نام باشد.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - در صورتیکه برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات اینقانون مزایائی قائل شوند اینگونه سهام سهام ممتاز نامیده میشود.



ماده ۲۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۳۴۷) - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و بامضای لاقل دو نفر که بموجب مقررات اساسنامه تعیین میشوند برسد.



ماده ۲۶ (اصلاحی ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود:

۱ - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتهای.

۲ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن.

۳ - تعیین نوع سهم.

۴ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و بااعداد.

۵ - تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آنست.



ماده ۲۷ (اصلاحی ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید بمصاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و بمصاحب سهم تسلیم و گواهی موقت سهم مسترد و ابطال گردد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده ۲۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در شرکت‌های سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

ماده ۳۰ (اصلاحی ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام ممنوع است. بتعهد کننده اینگونه سهام گواهینامه موقت با نام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط بنقل و انتقال سهام بانام است.

ماده ۳۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود.

ماده ۳۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

ماده ۳۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر اینصورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را بمنظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد وگرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده بدادگاه رجوع کند.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض بعمل آید.

ماده ۳۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - کسی که تعهد اکتیاع سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن میباشد و در صورتیکه قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آنرا بدیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.

ماده ۳۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط بشرکت در آن منتشر میشود بصاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیر کرد از قرار نرخ رسمی بهره چهار درصد در سال بمبلغ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت بصاحب سهم و گذشتن یکماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر آن تماماً پرداخت نشود شرکت اینگونه سهام را در صورتیکه در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس وگرنه از طریق مزایده بفروش خواهد رسانید. از حاصل فروش سهم بدو کلیه هزینه‌های مترتبه برداشت گردیده و در صورتیکه خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه‌ها و خسارت دیر کرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت میشود.

ماده ۳۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یکنوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد منتشر و يك نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال میشود. هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی‌های مربوط بسهم اعم از اصل - خسارات - هزینه‌ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام با قید کلمه المثنی بنام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال میشود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی میگردد.

ماده ۳۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت باینگونه سهام معلق خواهد ماند.

ماده ۳۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها بشرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و میتوانند حقوق مالی وابسته بسهم خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.

ماده ۳۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سهم بی‌نام بصورت سند در وجه حامل تنظیم و ملك دارنده آن شناخته میشود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهام بقبض و اقباض بعمل می‌آید.

گواهی نامه موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام میباشد.

ماده ۴۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.

در موردیکه تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و بامضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هر گونه تغییر اقامتگاه نیز باید بهمان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۴۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمیتواند مشروط بموافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۴۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هر شرکت سهامی میتواند بموجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هر گونه تغییر در امتیازات وابسته بسهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه يك اینگونه سهام انجام گیرد.

بخش ۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

تبدیل سهام

ماده ۴۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه یا بنا بتصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را بسهام بانام و یا آنکه سهام بانام را بسهام بی نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.

ماده ۴۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد تبدیل سهام بی نام بسهام بانام باید مراتب در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد سه نوبت هر يك بفاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد بصاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود بمرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی میگردد.

ماده ۴۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل بسهام بانام بمرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتیکه سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس وگرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یکماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط يك نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر يك ماه خواهد بود. در صورتیکه در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام بفروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۴۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته میشود بدواً هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دار سپرده میشود. در صورتیکه ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده بشرکت مستردشود مبلغ سپرده و بهره مربوطه بدستور شرکت از طرف بانک بمالك سهم پرداخت میشود. پس از انقضای ده سال باقیمانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان بخزانة دولت منتقل گردد.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام بفروش نرسد صاحبان سهام بی نام که بشرکت مراجعه میکنند بترتیب مراجعه بشرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده بنسبت سهام بی نام که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی نام خود سهام بانام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

ماده ۴۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - برای تبدیل سهام بانام بسهام بی نام مراتب فقط يك نوبت در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده میشود تا برای تبدیل سهام خود بمرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام بشرکت مراجعه کنند سهام بانام آنان اخذ و ابطال و سهام بی نام بآنها داده شود.

ماده ۴۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام بسهام بانام و یا تبدیل سهام بانام بسهام بی نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر يك از مهلت های مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکت ها را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۴۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - دارندگان سهامیکه بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت بآن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت.

ماده ۵۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد تعویض گواهی نامه موقت سهام یا اوراق سهام بانام یا بی نام بر طبق مفاد مواد ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد.

بخش ۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

اوراق قرضه

ماده ۵۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی عام میتواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.

قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۵۲ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - ورقه قرضه ورقه قابل معامله ایست که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود. 



ماده ۵۳ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب میشوند.



ماده ۵۴ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمیشود. 



ماده ۵۵ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دوترازنامه آن بتصویب مجمع عمومی رسیده باشد. 



ماده ۵۶ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام میتواند بنا به پیشنهاد هیئت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آنرا تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی میتواند به هیئت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک یا چند بار بانتشار اوراق قرضه مبادرت نماید. 



تبصره (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.



ماده ۵۷ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - تصمیم راجع بفروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً بمرجع ثبت شرکتها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آنرا همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه بهزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود.



تبصره (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است.



ماده ۵۸ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد:

۱ - نام شرکت

۲ - موضوع شرکت

۳ - شماره و تاریخ ثبت شرکت.

۴ - مرکز اصلی شرکت.

۵ - مدت شرکت.

۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تصریح باینکه کلیه آن پرداخت شده است.

۷ - در صورتیکه شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و در صورتیکه اوراق قرضه سابق قابل تبدیل بسهم شرکت بوده باشد مقداری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل بسهم نشده است.

۸ - در صورتیکه شرکت سابقاً اوراق قرضه مؤسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

۹ - مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره‌ای که بقرضه تعلق میگیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعد یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتیکه اوراق قرضه قابل بازخريد باشد شرایط و ترتیب بازخريد.

۱۰ - تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است.

۱۱ - اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل بسهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل.

۱۲ - خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که بتصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.



ماده ۵۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر میگردد آگهی کند.



ماده ۶۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود:

۱ - نام شرکت

۲ - شماره و تاریخ ثبت شرکت

۳ - مرکز اصلی شرکت.

۴ - مبلغ سرمایه شرکت

۵ - مدت شرکت.

۶ - مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه.

۷ - تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخريد ورقه قرضه (اگر قابل بازخريد باشد).

۸ - تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است.

۹ - در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا مؤسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده‌اند.

۱۰ - در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه بسهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل.



ماده ۶۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد در اینصورت مجمع عمومی فوق‌العاده باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلاً برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.



ماده ۶۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه باید بوسیله يك یا چند بانک و یا مؤسسه مالی معتبر پذیرهنویسی شده باشد و قراردادیکه در موضوع اینگونه پذیرهنویسی و شرایط آن و تعهد پذیرهنویس مبني بر دادن اینگونه سهام بدارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط بآن بین شرکت و اینگونه پذیرهنویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ برسد وگرنه معتبر نخواهد بود.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شوراي پول و اعتبار شرايط بانکها و مؤسسات مالي را که ميتوانند افزايش سرمايه شرکتها را پذيرهنويسی کنند تعيين خواهد نمود.



ماده ۶۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شرکت در خريد سهام قابل تعويض با اوراق قرضه خود بخود منتفی خواهد بود.



ماده ۶۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرايط و ترتيب تعويض ورقه قرضه با سهم بايد در ورقه قرضه قيد شود.

تعويض ورقه قرضه با سهم تابع ميل و رضايت دارنده ورقه قرضه است.

دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسيد ورقه ميتواند تحت شرايط و بترتیبی که در ورقه قيد شده است آنرا با سهم شرکت تعويض کند.



ماده ۶۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از تاريخ تصميم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضاي موعدي مواعيد اوراق قرضه شرکت نمیتواند اوراق قرضه جديد قابل تعويض يا

قابل تبديل بسهام منتشر کند يا سرمايه خود را مستهلك سازد يا آنرا از طريق بازخريد سهام کاهش دهد يا اقدام بتقسيم اندوخته کند يا در نحوه تقسيم منافع تغييراتي بدهد. کاهش سرمايه شرکت در نتيجه زيانهاي وارده که منتهی به تقليل مبلغ اسمي سهام و يا تقليل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتيجه تبديل اوراق خود دريافت ميدارند میگردد و چنين تلقي ميشود که اينگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشاراوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند.



ماده ۶۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از تاريخ تصميم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضاي موعدي مواعيد اوراق قرضه صدور سهام جديد در نتيجه انتقال اندوخته به سرمايه

وبطور کلي دادن سهم و يا تخصيص يا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناويني از قبيل جايزه يا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعويض میکنند بنسبت سهامیکه در نتيجه معاوضه مالک ميشوند حفظ شود. بمنظور فوق شرکت بايد تدابير لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعويض میکنند بتوانند بنسبت وتحت همان شرايط حقوق مالي مذکور را استيفا نمايند.



ماده ۶۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سهامیکه جهت تعويض با اوراق قرضه صادر ميشود بانام بوده و تا انقضاي موعدي مواعيد اوراق قرضه وثيقه تعهد پذيرهنويسان در

برابردارندگان اوراق قرضه دائر بتعويض سهام با اوراق مذکور میباشد و نزد شرکت نگاهداري خواهد شد اينگونه سهام تا انقضاء موعدي مواعيد اوراق قرضه فقط قابل انتقال بدارندگان اوراق مزبور بوده و نقل و انتقال اينگونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعويض ورقه قرضه با سهم احراز گردد.



ماده ۶۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سهامیکه جهت تعويض با اوراق قرضه صادر ميشود مادام که اين تعويض بعمل نيامده است تا انقضاء موعدي مواعيد اوراق قرضه قابل

تأمين و توقيف نخواهد بود.



ماده ۶۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اوراق قرضه ممکن است قابل تبديل بسهام شرکت باشد در اين صورت مجمع عمومي فوق العاده اي که اجازه انتشار اوراق قرضه

را ميدهد شرايط و مهلتي را که طی آن دارندگان اين گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را بسهام شرکت تبديل کنند تعيين و اجازه افزايش سرمايه را به هيئت مديره خواهد داد.



ماده ۷۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۶۹ هيئت مديره شرکت بر اساس تصميم مجمع عمومي مذکور در همان ماده در پايان مهلت مقرر معادل مبلغ

بازپرداخت نشده اوراق قرضه ايکه جهت تبديل بسهام شرکت عرضه شده است سرمايه شرکت را افزايش داده و پس از ثبت اين افزايش در مرجع ثبت شرکتها سهام جديد صادر و بدارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که بشرکت تسليم کرده اند سهم خواهد داد.



ماده ۷۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد اوراق قرضه قابل تبديل بسهم مجمع عمومي بايد بنا به پيشنهاد هيئت مديره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصميم

نمايد و همچنين مواد ۶۳ و ۶۴ در مورد اوراق قرضه قابل تبديل بسهم نیز بايد رعايت شود.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

بخش ۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

مجامع عمومی

ماده ۷۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل میشود. مقررات مربوط بحضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که بموجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده ۷۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجامع عمومی بترتیب عبارتند از:

۱ - مجمع عمومی مؤسس.

۲ - مجمع عمومی عادی

۳ - مجمع عمومی فوق العاده.

ماده ۷۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - وظایف مجمع عمومی مؤسس بقرار زیر است:

۱ - رسیدگی بگزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیة مبالغ لازم.

۲ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن.

۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت.

۴ - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیة بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گزارش مؤسسين باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیرهنویسان سهام آماده باشد.

ماده ۷۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مجمع عمومی مؤسس حضور عدهای از پذیرهنویسان که حداقل نصف سرمایة شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسين دعوت میشوند مشروط بر اینکه لاقلاً بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لاقلاً یک سوم سرمایة شرکت در آن حاضر باشند. در هر يك از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتیکه در مجمع عمومی يك سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام میدارند.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیرهنویسان حق حضور دارند و هر سهم داراي يك رأی خواهد بود.

ماده ۷۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه يك یا چند نفر از مؤسسين آورده غیر نقد داشته باشند مؤسسين باید قبل از اقدام بدعوت مجمع عمومی مؤسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آوردههای غیر نقد جلب و آنرا جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتیکه مؤسسين برای خود مزایائی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن بضمیمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.

ماده ۷۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گزارش مربوط بارزیابی آوردههای غیر نقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کردهاند در موقعیکه تقویم آورده غیر نقدی که تعهد کردهاند یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند و آن قسمت از سرمایة غیر نقد که موضوع مذاکره و رأی است از حیث حد نصاب جزء سرمایة شرکت منظور نخواهد شد.

ماده ۷۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی نمیتواند آوردههای غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.

ماده ۷۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه آورده غیر نقد یا مزایائی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع بفاصله مدتی که از یکماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد. و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیر نقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل میتوانند تعهد غیر نقد خود را بتعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تأدیة نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده میتوانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتیکه صاحبان آورده غیر نقد و مطالبهکنندگان مزایا بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت بسهام خود باطل شده محسوب میگردد و سایر پذیرهنویسان میتوانند بجای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیة کنند.

ماده ۸۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که بر طبق ماده قبل بمنظور رسیدگی بوضع آوردههای غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل میگردد باید بیش از نصف پذیرهنویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل ودستور جلسه دوم قید گردد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۸۱ (اصلاحي ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - در صورتیکه در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و باین ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را بمرجع ثبت شرکتها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهینامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند.

ماده ۸۲ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمیتوان آوردههای غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

ماده ۸۳ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده میباشد.

ماده ۸۴ (اصلاحي ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامیکه حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از يك سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.



ماده ۸۵ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره باکثرتیت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.



ماده ۸۶ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی عادی میتواند نسبت بکلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده ۸۷ (اصلاحي ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلابیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.



ماده ۸۸ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره باکثرتیت نصف بعلاوه يك آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب میشود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده میتواند آراء خود را بیک نفر بدهد یا آنرا بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمیتواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۸۹ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار در موقعی که در اساسنامه پیشبینی شده است برای رسیدگی بترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی بگزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط بحسابهای سال مالی تشکیل شود.

تبصره (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت بترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

ماده ۹۰ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درمداز سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

ماده ۹۱ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام بدعوت مجمع مزبور بنمایند.

ماده ۹۲ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت میتوانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند. در اینصورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده ۹۳ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - در هر موقعی که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان اینگونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلایك سوم اینگونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره باکثرتیت دو سوم آراء معتبر خواهد بود.



ماده ۹۴ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - هیچ مجمع عمومی نمیتواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمیتواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۹۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سهامدارانی که اقلایک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر اینصورت درخواست کنندگان میتوانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند وگرنه آنگونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً بدعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع بدعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده ۹۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصراً موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیئت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.

ماده ۹۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد بعمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوتنامه ها و اطلاعیه های مربوط بشرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد.



تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.

ماده ۹۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - فاصله بین نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.



ماده ۹۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل بحضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند.

فقط سهامدارانی حق ورود بمجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و بامضاء آنان خواهد رسید.

ماده ۱۰۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.

ماده ۱۰۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجامع عمومی توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره میشود. در صورتیکه ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در اینصورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه باکثريت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده ۱۰۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی بمنزله حضور خود صاحب سهم است.

ماده ۱۰۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است.

ماده ۱۰۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع میتواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند. تمدید جلسه محتاج بدعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.

ماده ۱۰۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده میشود که بامضاء هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۰۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مواردیکه تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع شرکتها ارسال گردد:

۱ - انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان.

۲ - تصویب ترازنامه.

۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه.

۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

بخش ۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

هیئت مدیره

ماده ۱۰۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل میباشند اداره خواهد شد. عده‌اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب میشوند.

ماده ۱۰۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین میشود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است.

ماده ۱۱۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اشخاص حقوقی را میتوان بمدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهای مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید يك نفر را بنماینده‌ی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهای مدنی و جزائی عضو هیئت مدیره بوده و از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را بنماینده‌ی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت. شخص حقوقی عضو هیئت مدیره میتواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتباً بشرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب میشود.

ماده ۱۱۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اشخاص ذیل نمیتوانند بمدیریت شرکت انتخاب شوند:

- ۱ - مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.

- ۲ - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنه‌های ذیل بموجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - جنه‌هایی که بموجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است - اختلاس - تدلیس - تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

تبصره (اصلاحی ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - دادگاه شهرستان بتقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

ماده ۱۱۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از يك یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علی‌البدل بترتیب مقرر در اساسنامه والا بترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنانرا خواهند گرفت و در صورتیکه عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی‌البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیئت مدیره دعوت نمایند.

ماده ۱۱۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که بدعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف بانجام چنین درخواستی میباشند.

ماده ۱۱۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تصمیمات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته باشد سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده ۱۱۵ (اصلاحی ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - در صورتیکه مدیری هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه را تهیه و بصندوق شرکت بسپارد وگرنه مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۱۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت بمنزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی میباشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا بهر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده ۱۱۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هر گونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند بمجمع عمومی عادی گزارش دهند.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۱۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - جز درباره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت میباشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. 

ماده ۱۱۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین مینماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع میتواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود. 

تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که بعنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد. 

تبصره ۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد. 

ماده ۱۲۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مکلف بدعوت آنها میباشد دعوت نماید. 

ماده ۱۲۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید باکثرت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد. 

ماده ۱۲۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که اقلایک سوم اعضاء هیئت مدیره را تشکیل دهند میتوانند در صورتیکه از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیئت مدیره را دعوت نمایند. 



ماده ۱۲۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورتجلسه ای تنظیم و لااقل بامضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب میباشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذ در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر میگردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود. 

ماده ۱۲۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره باید اقلایک نفر شخص حقیقی را بمدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند در صورتیکه مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیر عامل شرکت نمیتواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی. 

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره در هر موقع میتواند مدیر عامل را عزل نماید. 

ماده ۱۲۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد. 

ماده ۱۲۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمیتوانند بمدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچکس نمیتواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد. 

ماده ۱۲۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرکس برخلاف ماده ۱۲۶ بمدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان بتقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود. 

ماده ۱۲۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه ای از صورتجلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. 

ماده ۱۲۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکتهائی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند نمیتوانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا بحساب شرکت میشود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آنرا به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای بهمان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت بمعامله مذکور حق رأی نخواهد داشت. 



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۳۰ (اصلاحي ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸)- معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادي تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتیکه بر اثر انجام معامله بشرکت خسارتي وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده بشرکت میباشند. 

ماده ۱۳۱ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- در صورتیکه معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومي عادي شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت میتواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتیکه معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم بدرخواست بطلان معامله با مجمع عمومي عادي صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومي مذکور در این ماده بدعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد. 

ماده ۱۳۲ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- مدیر عامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره باستثناء اشخاص حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمیتواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات بخودي خود باطل است. در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده بشرط آنکه تحت قیود و شرایط عادي و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که بنمایندگی شخص حقوقي عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت میکنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاداولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده میباشد. 

ماده ۱۳۳ (اصلاحي ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸)- مدیران و مدیر عامل نمیتوانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود، منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت.



ماده ۱۳۴ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- مجمع عمومي عادي صاحبان سهام میتواند با توجه بساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را بآنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومي این مبلغ را با توجه بتعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتیکه در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومي میتواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت بعنوان پاداش باعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیرموظف هیئت‌مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند. 

ماده ۱۳۵ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمیتوان بعذر عدم اجرای تشریفات مربوط بطرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست. 

ماده ۱۳۶ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- در صورت انقضاء مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف بدعوت مجمع عمومي بوظیفه خود عمل نکنند هر ذینفع میتواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومي عادي را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید. 

ماده ۱۳۷ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- هیئت مدیره باید لااقل هر ششماه یکبار خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را تنظیم کرده ببازرسان بدهد. 

ماده ۱۳۸ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومي سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید. 

ماده ۱۳۹ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- هر صاحب سهم میتواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومي در مرکز شرکت بصورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد. 

ماده ۱۴۰ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- هیئت مدیره مکلف است هر سال يك بیستم از سود خالص شرکت را بعنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی بيك دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتیکه سرمایه شرکت افزایش یابد كسر يك بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی بيك دهم سرمایه بالغ گردد. 

ماده ۱۴۱ (الحاقي ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷)- اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومي فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی بانحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را بمبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتیکه هیئت مدیره برخلاف این ماده بدعوت مجمع عمومي فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت میشود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع میتواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. 



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۴۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت بتخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول میباشند و دادگاه حدود مسئولیت هر يك را براي جبران خسارت تعیین خواهد نمود. 

ماده ۱۴۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار میتواند بتقاضای هر ذینفع هر يك از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً بتأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید. 

بخش ۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

بازرسان 

ماده ۱۴۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی عادی در هر سال يك یا چند بازرس انتخاب میکند تا بر طبق این قانون بوظائف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است.

مجمع عمومی عادی در هر موقع میتواند بازرس یا بازرسان را عزل کند بشرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. 

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام میکند وظائف بازرسی شرکتها را در شرکتهاي سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهاي سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئیننامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.



ماده ۱۴۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهاي سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهاي سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون بعمل خواهد آمد. 

ماده ۱۴۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی عادی باید يك یا چند بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظائف بازرسی دعوت شوند. 

ماده ۱۴۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اشخاص زیر نمیتوانند بسمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند:

۱ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ اینقانون.

۲ - مدیران و مدیر عامل شرکت.

۳ - اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.

۴ - هرکس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت میدارد.



ماده ۱۴۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظائفی که در سایر مواد اینقانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه میکنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام درحدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیارصاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند. 

ماده ۱۴۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان میتوانند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارك و اطلاعات مربوط بشرکت رامطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان میتوانند بمسئولیت خود در انجام وظائفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند بشرط آنکه آنها را قبلاً بشرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردیکه بازرس تعیین میکند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.



ماده ۱۵۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه بماده ۱۴۸ اینقانون گزارش جامعی راجع بوضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. 

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر يك میتواند بتنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۵۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان باید هر گونه تخلف یا تقصیری که در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند باولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتیکه ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید بمرجع قضائی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را باولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ماده ۱۵۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون بعنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارائی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچوجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ۱۵۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا يك یا چند نفر از بازرسان بعلمی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان بتقاضای هر ذینفع بازرس یا بازرسان را بتعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در اینمورد غیر قابل شکایت است.

ماده ۱۵۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب میشوند طبق قواعد عمومی مربوط بمسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود.

ماده ۱۵۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۱۵۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس نمیتواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام میگیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

بخش ۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۱۵۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سرمایه شرکت را میتوان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

ماده ۱۵۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید بیکي از طرق زیر امکانپذیر است:

۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم بنقد.

۲ - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت بسهام جدید.

۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید بسرمایه شرکت.

۴ - تبدیل اوراق قرضه بسهام.



تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - فقط در شرکت سهامی خاص تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید بغير نقد نیز مجاز است.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - انتقال اندوخته قانونی بسرمایه ممنوع است.

ماده ۱۵۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتیکه برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.

ماده ۱۶۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت میتواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم بعنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت میتواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را باندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید بصاحبان سهام سابق بدهد.



ماده ۱۶۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی فوقالعاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم میکند.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی فوقالعاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم میکند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأدیه قیمت آنرا تعیین یا اختیار تعیین آنرا به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پیشنهاد هیئت مدیره راجع باافزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آتموقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۶۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی فوق العاده میتواند به هیئت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی بیکي از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد. 

ماده ۱۶۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یکماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط بمقدار سرمایه ثبت شده شرکت بمرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. 

ماده ۱۶۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اساسنامه شرکت نمیتواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد. 

ماده ۱۶۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود. 

ماده ۱۶۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران میتوانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیرهنویسی تعیین میگردد شروع میشود. 

ماده ۱۶۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب میکند یا اجازه آنرا به هیئت مدیره میدهد حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند بشرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود. 

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گزارش هیئت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص بآنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت اینگونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است. 

ماده ۱۶۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیرهنویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام بنفع بعضی دیگر انجام میگردد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص بآنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است بحساب نخواهد آمد. 

ماده ۱۶۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع با افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط بشرکت در آن نشر میگردد یا اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط بمبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیرهنویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتیکه برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.



ماده ۱۷۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع با افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آنها دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد. 

ماده ۱۷۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱ - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت.
- ۲ - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت.
- ۳ - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آنها دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.
- ۴ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
- ۵ - مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه میتواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند.
- ۶ - هر گونه شرایط دیگری که برای پذیرهنویسی مقرر شده باشد.



تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گواهینامه حق خرید سهم باید بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است بامضاء برسد.



ماده ۱۷۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه حق تقدم در پذیرهنویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و بمتقاضیان فروخته خواهد شد. 



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۷۳ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیرهنویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند.



ماده ۱۷۴ (اصلاحی ۰۹, ۰۲, ۱۳۴۸) - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید بامضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱ - نام و شماره ثبت شرکت.

۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن.

۳ - مرکز اصلی شرکت و در صورتیکه شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.

۴ - در صورتیکه شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.

۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.

۶ - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

۷ - هویت کامل اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت.

۸ - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.

۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارائی بعد از تصفیه.

۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل بسهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه بسهم.

۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط بآن.

۱۲ - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.

۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه.

۱۴ - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند.

۱۵ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی.

۱۶ - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.

۱۷ - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود.

۱۸ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.

۱۹ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاریکه اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن نشر میشود.



ماده ۱۷۵ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که بتصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم گردد و در صورتیکه شرکت تا آتموقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود.

ماده ۱۷۶ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول طرح اعلامیه پذیرهنویسی و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۱۷۷ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاریکه آگهی‌های شرکت در آن نشر میگردد اقلا در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل می‌آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که بتصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتهای و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است.



ماده ۱۷۸ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۷۹ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - پذیرهنویسی سهام جدید بموجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد:

۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.

۲ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.

۳ - مبلغ افزایش سرمایه.

۴ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.

۵ - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع میشود و مبلغ اسمی آن.

۶ - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته میشود.

۷ - هویت و نشانی کامل پذیرهنویس.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۸۰ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است.



ماده ۱۸۱ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگانرا تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.

هر گاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره‌نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعدادسهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را ببانک مربوط بدهد.



ماده ۱۸۲ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ بمرجع ثبت شرکتها به ثبت‌نرسد بدرخواست هر یک از پذیره‌نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیره‌نویسی بآن تسلیم شده است گواهینامه‌ای حاکی ازعدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و ببانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال میدارد تا اشخاصیکه سهام جدید راپذیره‌نویسی کرده‌اند ببانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه‌ایکه برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یاتعهد شده باشد بعهد شرکت قرار میگیرد.



ماده ۱۸۳ (اصلاحی ۰۲, ۰۹, ۱۳۴۸) - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهدبود:

۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آنرا به هیئت مدیره داده است و در صورت اخیرصورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.

۲ - يك نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است.

۳ - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتیکه سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود.

۴ - در صورتیکه قسمتی از افزایش سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون بتصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده در اینمورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره‌نویسان سهام جدیدتشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط میشود الزامی خواهد بود و يك نسخه ازصورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده باید باظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.



تبصره (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید بامضاء کلیه هیئت مدیره رسیده باشد.



ماده ۱۸۴ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - وجوهی که بحساب افزایش سرمایه تأدیه میشود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوهمزبور بحساب‌های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.



ماده ۱۸۵ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در صورتیکه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدي حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیره‌نویسی سهام جدید باشند انجام میگیرد.



ماده ۱۸۶ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در ورقه خرید سهم مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ ماده ۱۷۹ باید قید شود.



ماده ۱۸۷ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیره‌نویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتها صورت کاملی از مطالبات نقدي حال شده ، بستانکاران پذیره‌نویس را که بسهام شرکت تبدیل شده است بضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از تصفیه آنگونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آنرا تأیید کرده باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و اظهارنامه هیئت مدیره مشعر بر اینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است بمرجع ثبت شرکتها تسلیم شود.



ماده ۱۸۸ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در موردیکه افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت میگیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر میشود باید هنگام پذیره‌نویسی بر حسب مورد کلایپرداخته یا تهاثر شود.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۸۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت میتواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت بطور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه بتساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت میگیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام بنسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم بصاحب آن انجام میگیرد.

ماده ۱۹۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پیشنهاد هیأت مدیره راجع بکاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده ببازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد.

پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آنموقع مجمع عمومی نسبت بحسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۱۹۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۱۹۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیأت مدیره قبل از اقدام بکاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف یکماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد آگهی کند.

ماده ۱۹۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر يك از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانیکه منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد میتوانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت بکاهش سرمایه شرکت بدادگاه تقدیم کنند.

ماده ۱۹۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه بنظر دادگاه اعتراض نسبت بکاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ایکه بنظر دادگاه کافی باشد نسپارد در اینصورت آن دین حال شده و دادگاه حکم بپرداخت آن خواهد داد.

ماده ۱۹۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتیکه اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است.

ماده ۱۹۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه‌ای باطلاع کلیه صاحبان سهم برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاریکه آگهی‌های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد.



ماده ۱۹۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱ - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت.

۲ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه.

۳ - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش.

۴ - نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام میگیرد.



ماده ۱۹۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.



بخش ۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

انحلال و تصفیه



ماده ۱۹۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی در موارد زیر منحل میشود:

۱ - وقتیکه شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.

۲ - در صورتیکه شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آئندت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

۳ - در صورت ورشکستگی

۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام بهر علتی رأی بانحلال شرکت بدهد

۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه

ماده ۲۰۰ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.



ماده ۲۰۱ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - در موارد زیر هر ذینفع میتواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد

۱ - در صورتیکه تا یکسال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتیکه فعالیتهاي شرکت در مدت بیش از یکسال متوقف شده باشد.

۲ - در صورتیکه مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی بحسابهاي هر يك از سالهاي مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.

۳ - در صورتیکه سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زائد بر ششماه بلامتصدی مانده باشد.

۴ - در مورد بندهاي يك و دو ماده ۱۹۹ در صورتیکه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رای بانحلال شرکت ندهد.



ماده ۲۰۲ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - در مورد بندهاي يك و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد بمراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از ششماه تجاوز نکند میدهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند.

در صورتیکه ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم بانحلال شرکت میدهد.

ماده ۲۰۳ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام میگردد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط بورشکستگی میباشد.



ماده ۲۰۴ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العادهاي که رأی بانحلال میدهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۰۵ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - در صورتیکه بهر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی بوظائف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیرتصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت بموجب حکم دادگاه صورت میگیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.

ماده ۲۰۶ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکت بمحض انحلال در حال تصفیه محسوب میشود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت در حال تصفیه ذکر شود و ناممدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهیهاي مربوط بشرکت قید گردد.

ماده ۲۰۷ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه بموجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده ۲۰۸ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط بتصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف بخاتمه دادن کارهاي جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت میباشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه بمرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیهها و آگهیهاي مربوط بشرکت در آن نشر میگردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.

ماده ۲۱۰ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.



ماده ۲۱۱ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع میشود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط بشرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهدهدار شوند.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۱۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا میباشند و میتوانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است.



ماده ۲۱۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - انتقال دارائی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً بمدير يا مديران تصفیه و یا باقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالي که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.



ماده ۲۱۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن بامر تصفیه لازم میدانند و تدابیری را که جهت پایان دادن بامر تصفیه در نظر گرفته اند باطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند.



ماده ۲۱۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمديد مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.



ماده ۲۱۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل میباشند.

ماده ۲۱۷ - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفاتیکه در قانون و اساسنامه پیشبینی شده است دعوت کرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را بضمیمه گزارشی حاکی از اعمالیکه تا آن موقع انجام داده اند بمجمع عمومی مذکور تسلیم کنند.



ماده ۲۱۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه بموجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه يك يا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید بعملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را بمجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.



ماده ۲۱۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد بعهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه باین تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف بدعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتیکه ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیشبینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم بتشکیل مجمع عمومی خواهد داد.



ماده ۲۲۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده ۲۲۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مدت تصفیه مقررات راجع بدعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هر گونه دعوتنامه و اطلاعیهایکه مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر میکنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیهها و آگهیهای مربوط بشرکت در آن درج میگردد منتشر شود.



ماده ۲۲۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مواردیکه بموجب این قانون مدیران تصفیه مکلف بدعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود میباشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیهها و آگهیهای مربوط بشرکت در آن درج میگردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.



ماده ۲۲۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - آن قسمت از دارائی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم میشود بشرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.



ماده ۲۲۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارائی شرکت بدواً بمصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد بترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتیکه اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.



ماده ۲۲۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تقسیم دارائی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه بفاصله یکماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیهها و آگهیهای مربوط بشرکت در آن درج میگردد آگهی شده و لااقل ششماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.



ماده ۲۲۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده اند.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۲۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را بمرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط بشرکت در آن درج میگردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجارتي حذف گردد.



ماده ۲۲۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز بآن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده باطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود بآن مراجعه کنند. پس از انقضای دهسال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل بخرانه دولت منتقل خواهد شد.



ماده ۲۲۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند باین منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه بمرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز بمرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.



ماده ۲۳۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتیکه مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را بدادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را ازدادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او بترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است.



ماده ۲۳۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتیکه مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتیکه مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصرأ بعهده يك نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتیکه مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع میتواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتیکه مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتیکه مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع میتواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.



بخش ۱۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

حسابهای شرکت



ماده ۲۳۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارائی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را بضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلاً بیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود.



ماده ۲۳۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکاررفته است رعایت شود. با وجود این در صورتیکه تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور بهر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه بگزارش هیأت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.



ماده ۲۳۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در ترازنامه باید استهلاك اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاك و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد.

پائین آمدن ارزش دارائی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه بععل دیگر باید در استهلاكات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقسام دارائی و زیانها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.



ماده ۲۳۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تعهداتی که شرکت آنرا تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.



ماده ۲۳۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هر گونه سود مستهلك شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که اینگونه هزینه‌ها بعمل آمده مستهلك شود. در صورتیکه سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر میشود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳



هزینه‌های افزایش سرمایه را میتوان از محل این اضافه ارزش مستهلك نمود.

ماده ۲۳۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.



ماده ۲۳۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از سود خالص شرکت پس از وضع زیان‌های وارده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.



ماده ۲۳۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.



ماده ۲۴۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آنرا که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی میتواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین میشود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود بمصاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.



ماده ۲۴۱ (اصلاحی ۰۲، ۲۰، ۱۳۹۵) - با رعایت شرایط مقرر در ماده (۱۳۴) نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود، به هیچ وجه نباید در شرکتهای سهامی عام از سه درصد (۳٪) و در شرکتهای سهامی خاص از شش درصد (۶٪) سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند. در هر حال این پاداش نمیتواند برای هر عضو موظف از معادل یک سال حقوق پایه وی و برای هر عضو غیرموظف از حداقل پاداش اعضای موظف هیأت مدیره بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد، باطل و بلااثر است.



تبصره ۱ (الحاقی ۰۲، ۲۰، ۱۳۹۵) - شرکتهای دولتی، مشمول مقررات این ماده در خصوص پاداش هیأت مدیره نیستند و تابع حکم مقرر در ماده (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ / ۷ / ۸ می‌باشند.



تبصره ۲ (الحاقی ۰۲، ۲۰، ۱۳۹۵) - هیچ فردی نمیتواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی همزمان در بیش از یک شرکت که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیردولتی است به سمت مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره انتخاب شود. متخلف علاوه بر استرداد وجوه دریافتی به شرکت به پرداخت جزای نقدی معادل وجوه مذکور محکوم می‌شود.



ماده ۲۴۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی عام هیأت مدیره مکلف است که بحسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حساب‌های شرکت گواهی نمایند که کلیه دفاتر و اسناد و صورت حساب‌های شرکت وتوضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حساب‌های سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیأت مدیره وضع مالی شرکت را بنحوصحیح و روشن نشان میدهد.



تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می‌باشد و در صورتیکه بموجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.



بخش ۱۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)



مقررات جزائی

ماده ۲۴۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اشخاص زیر بحبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- ۱ - هرکس که عالمأ و بر خلاف واقع پذیرهنویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیرهنویسی منتشر نماید و یامدارك خلاف واقع حاکي از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد تقلب اعمال کند.
- ۲ - هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.
- ۳ - هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید بمرجع ثبت شرکتها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع بمرجع مزبور اعلام دارد.
- ۴ - هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتیکه ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.
- ۵ - هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیرهنویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقد صادر کند.
- ۶ - هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام صادر کند.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۴۴ (اصلاحي ۱۳۴۸, ۰۲, ۰۹) - اشخاص زیر بحبس تأديبي از سه ماه تا يكسال يا به جزاي نقدي از پنجاه هزار ريال تا پانصد هزار ريال يا بهر دو مجازات محكوم خواهند شد:

- ۱ - هرکس عالماً سهام يا گواهينامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمي صادر کند يا بفروشد يا به معرض فروش گذارد.
- ۲ - هرکس سهام بي نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمي آن پرداخت شده باشد صادر کند يا بفروشد يا به معرض فروش گذارد.
- ۳ - هرکس سهام بانام را قبل از آنکه اقلا سي و پنج در صد مبلغ اسمي آن پرداخت شده باشد بفروشد يا به معرض فروش گذارد. 

ماده ۲۴۵ (الحاقي ۱۳۴۷, ۱۲, ۲۴) - هرکس عالماً در هر يك از عمليات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند يا انجام آن عمليات را تسهيل نمايد بر حسب مورد بمجازات شريك يا معاون محكوم خواهد شد. 

ماده ۲۴۶ (الحاقي ۱۳۴۷, ۱۲, ۲۴) - رئيس و اعضاء هيأت مديره هر شرکت سهامي در صورت ارتكاب هر يك از جرائم زیر بحبس تأديبي از دو ماه تا ششماه يا به جزاي نقدي از سي هزار تا سيصد هزار ريال يا بهر دو مجازات محكوم خواهند شد:

- ۱ - در صورتیکه ظرف مهلت مقرر در اين قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمي سهام شرکت را مطالبه نکنند و يا دو ماه قبل از پايان مهلت مذکور مجمع عمومي فوق العاده را جهت تقليل سرمايه شرکت تا ميزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند.
- ۲ - در صورتیکه قبل از پرداخت کليه سرمايه شرکت بصدور اوراق قرضه مبادرت کرده يا صدور آنرا اجازه دهند. 

ماده ۲۴۷ (اصلاحي ۱۳۴۸, ۰۲, ۰۹) - در مورد بند يك ماده ۲۴۶ در صورتیکه هر يك از اعضاء هيأت مديره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هيأت مزبور صريحاً اعلام کند که بايد به تکليف قانوني براي سلب مسئوليت جزائي عمل شود و باين اعلام از طرف ساير اعضاء هيأت مديره توجه نشود و جرم تحقق پيدا کند عضو هيأت مديره که تکليف قانوني را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئوليت جزائي از عضو هيأت مديره منوط باينست که عضو هيأت مديره علاوه بر اعلام تکليف قانوني در جلسه هيأت مزبور مراتب را از طريق ارسال اظهارنامه رسمي بهر يك از اعضاء هيأت مديره اعلام نمايد. در صورتیکه جلسات هيأت مديره بهر علت تشکيل نگردد اعلام از طريق ارسال اظهارنامه رسمي براي سلب مسئوليت جزائي از عضو هيأت مديره کافي است.



ماده ۲۴۸ (الحاقي ۱۳۴۷, ۱۲, ۲۴) - هرکس اعلاميه پذيرهنويسی سهام يا اطلاعيه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامي را بدون امضاهاي مجاز و نام و نشاني مؤسسين يامديران شرکت منتشر کند به جزاي نقدي از ده هزار تا سي هزار ريال محكوم خواهد شد. 

ماده ۲۴۹ (اصلاحي ۱۳۴۸, ۰۲, ۰۹) - هرکس با سوء نيت براي تشويق مردم به تعهد خريد اوراق بهادار شرکت سهامي بصدور اعلاميه پذيرهنويسی سهام يا اطلاعيه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست يا ناقص باشد مبادرت نمايد و يا از روي سوء نيت جهت تهيه اعلاميه يا اطلاعيه مزبور اطلاعات نادرست يا ناقص داده باشد به مجازات شروع بکلاهبرداری محكوم خواهد شد و هرگاه اثري بر اين اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده وبمجازات مقرر محكوم خواهد شد.



ماده ۲۵۰ (الحاقي ۱۳۴۷, ۱۲, ۲۴) - رئيس و اعضاء هيأت مديره هر شرکت سهامي عام که قبل از تأديه کليه سرمايه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاريخ ثبت شرکت و تصويب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومي مبادرت بصدور اوراق قرضه نمایند به جزاي نقدي از بيست هزار ريال تا دويست هزار ريال محكوم خواهند شد. 

ماده ۲۵۱ (الحاقي ۱۳۴۷, ۱۲, ۲۴) - رئيس و اعضاء هيأت مديره هر شرکت سهامي عام که بدون رعايت مقررات ماده ۵۶ اين قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنمایند بحبس تأديبي از سه ماه تا دو سال و جزاي نقدي از بيست هزار ريال تا دويست هزار ريال محكوم خواهند شد. 

ماده ۲۵۲ (الحاقي ۱۳۴۷, ۱۲, ۲۴) - رئيس و اعضاء هيأت مديره و مدير عامل هر شرکت سهامي عمومي که نکات مندرج در ماده ۶۰ اين قانونرا در اوراق قرضه قيد نمایند به جزاي نقدي از بيست هزار ريال تا دويست هزار ريال محكوم خواهند شد. 

ماده ۲۵۳ (الحاقي ۱۳۴۷, ۱۲, ۲۴) - اشخاص زیر بحبس تأديبي از سه ماه تا يكسال يا به جزاي نقدي از بيست هزار تا دويست هزار ريال يا بهر دو مجازات محكوم خواهند شد:

- ۱ - هرکس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومي صاحبان سهام بشود.
- ۲ - هرکس با خدعه و نيرنگ خود را دارنده سهم يا قطعات سهم معرفي کند و يا باينطريق در اخذ رأي در مجمع عمومي صاحبان سهام شرکت نمايد اعم از آنکه اينکار را شخصاً يا توسط ديگري انجام دهد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۵۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم ننمایند بحسب از دو تا ششماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند، بمجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۷ (اصلاحی ۰۲، ۰۹، ۱۳۴۸) - رئیس و اعضاء هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع بحق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند بمجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اشخاص زیر بحسب تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهند شد:

۱ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که بدون صورت دارائی و ترازنامه یا باستناد صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

۲ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع بمنظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت بصاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

۳ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگریکه خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند.

۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا بخاطر شرکت یا مؤسسه دیگریکه خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند استفاده کنند.

ماده ۲۵۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاي هیأت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد باین منظور دعوت ننمایند و یا بازرسان شرکت را بمجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند بحسب از دو تا ششماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند بحسب تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتیکه ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزارریال محکوم خواهند شد. و در صورتیکه قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت بصدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند بحسب تأدیبی از دو ماه تا ششماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتیکه در موقع افزایش سرمایه شرکت باستثنای مواردیکه در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت بپذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیرهنویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود بصاحبان سهام ندهند.

۲ - در صورتیکه شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان اینگونه اوراق قرضه را نسبت بتعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضاء مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل بسهم منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلك سازند یا آنرا از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام بتقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.

ماده ۲۶۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که عالماً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت بپذیره نویسی سهام جدید بمجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند بحسب از ششماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزارریال تا یکمیلیون ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۶۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالماً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

- ۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.
- ۲ - در صورتیکه پیشنهاد راجع بکاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده ببازرس شرکت تسلیم نشده باشد.
- ۳ - در صورتیکه تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرائط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط بشرکت در آن نشر میگردد آگهی نشده باشد.



ماده ۲۶۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تادو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت ننمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یکماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننمایند بحبس از دو ماه تا ششماه یا به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرکس با وجود منع قانونی عالماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و بآن عمل کند بحبس تأدیبی از دو ماه تا ششماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرکس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع باوضاع شرکت بمجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند بحبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.



ماده ۲۶۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً مرتکب جرائم زیر بشوند بحبس تأدیبی از دو ماه تا ششماه یا بجزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- ۱ - در صورتیکه ظرف یکماه پس از انتخاب تصمیم راجع بانحلال شرکت و نام و نشانی خود را بمرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.
- ۲ - در صورتیکه تا ششماه پس از شروع بامر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن بامر تصفیه لازم میداند باطلاع مجمع عمومی نرسانند.
- ۳ - در صورتیکه قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون اساسنامه شرکت پیشبینی شده است دعوت نکرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را بضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آنموقع انجام داده اند بمجمع مذکور تسلیم نکنند.
- ۴ - در صورتیکه در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند بعملیات خود ادامه دهند.
- ۵ - در صورتیکه ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را بمرجع ثبت شرکتها اعلام ننمایند.
- ۶ - در صورتیکه پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع ننمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند بآن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه باطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.

ماده ۲۶۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند بحبس تأدیبی از يك سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

- ۱ - در صورتیکه اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند.
- ۲ - در صورتیکه برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارائی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارائی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش ۱۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی

ماده ۲۷۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر يك از ارکان شرکت اتخاذ میگردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا بدرخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور بحکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسين ومديران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمیتوانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۲۷۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است میتواند بنا بدرخواست خوانده مهلتی که از ششماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر بدادگاه است. در صورتیکه ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳



ماده ۲۷۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان بصاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است.



ماده ۲۷۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر مینماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند.



ماده ۲۷۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین شده‌اند حاضر بقبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع مینماید.



تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین میشود بعهدہ دادگاه است.



ماده ۲۷۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد میتوانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیر عامل بنام و از طرف شرکت و به‌زینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده بشرکت را از آنها مطالبه کنند.

در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضاء هیأت مدیره یا مدیر عامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم بنفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد.

در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوی پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات بعهدہ آنان است.



ماده ۲۷۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید بنحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.



ماده ۲۷۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی خاص در صورتی میتواند بشرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع بتصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل بمیزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را بمیزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن بتصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده‌باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.



ماده ۲۷۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی خاص باید ظرف یکماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده را بضمیمه مدارک زیر بمرجع ثبت شرکتها تسلیم کند:

- ۱ - اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و بتصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده است.
- ۲ - دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که بتأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.
- ۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک بمرجع ثبت شرکتها که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و بتأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
- ۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید بامضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و شماره ثبت شرکت.

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتیکه شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن

د - در صورتیکه شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت.

ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.

ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ك - ذكر نام روزنامه كثیرالانتشاري كه اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن درج میگردد.



ماده ۲۸۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارك مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به‌زینه شرکت آگهی خواهد نمود. 

ماده ۲۸۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط بدو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می‌باشد آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاري که آگهی‌های شرکت در آن درج میگردد اقلاً در يك روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود. 

ماده ۲۸۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه بشرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می‌آید با رعایت مواد ۱۷۳ لغایت ۱۸۲ و ماده ۱۸۴ این قانون برای پذیرهنویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکتها در اینمورد پس از وصول تقاضا و مدارك مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص بشرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتیکه شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیرهنویسی عمومی بشرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام را صادر خواهد نمود. در اعلامیه پذیرهنویسی باید شماره و تاریخ اجازه‌نامه مزبور قید گردد.



ماده ۲۸۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه سهام جدیدی که بترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماً تأدیه نشود شرکت نمیتواند بشرکت سهامی عام تبدیل گردد. 

ماده ۲۸۴ (اصلاحی ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون بصورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا بنوع دیگری از انواع شرکتهای تجارتي مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند والا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود. تا هنگامیکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف سه سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده‌اند تابع مقررات مربوط بشرکتهای سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود. تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق میشود که مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و به‌زینه شرکت آگهی کرده باشد. باستثنای هزینه آگهی اجرای اینماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچگونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه میشود.



ماده ۲۸۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تغییر اساسنامه هر يك از شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بمنظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائاً ممکن است بموجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید بتصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حد نصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق‌العاده بمنظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکتهای سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکتهای موجود در تاریخ تصویب این قانون میباشد. 

ماده ۲۸۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی خاص درآیند باید اولاً سرمایه آنها حداقل بمیزانی باشد که برای شرکتهای سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً اساسنامه خود را بمنظور تطبیق با مقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را بمرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون مراتب را ثبت و به‌زینه شرکت آگهی خواهد نمود. 

ماده ۲۸۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی عام درآیند باید اولاً سرمایه آنها بمیزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً در تاریخ تبدیل شرکت بشرکت سهامی عام یکسال از ثبت شرکت گذشته و يك ترازنامه آن بتصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را با مقررات این قانون وفق دهند.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۸۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این قانون با افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتیکه تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تأدیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت بهر سهم در مورد سهام جدید نیز لازم‌الرعايه است و در هر حال این نسبت نمیتواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در اینماده رعایت ماده ۱۶۵ اینقانون در مورد تأدیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست.

ماده ۲۸۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می‌آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیرهنویسی عمومی عرضه نمایند. در صورتیکه سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماماً تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تأدیه گردد تأدیه نشود شرکت نمیتواند بشرکت سهامی عام تبدیل گردد.



ماده ۲۹۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند بشرکت سهامی عام تبدیل شوند و باینمنظور با افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند:

- ۱ - اساسنامه‌ایکه برای شرکت سهامی عام بتصویب مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده رسیده است.
- ۲ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.
- ۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک بمرجع ثبت شرکتهای.
- صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده بتأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
- ۴ - طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید که باید بترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد.
- ۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید بتصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده ۲۹۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.



ماده ۲۹۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی بشرکت سهامی عام لازم‌الرعايه است. در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد.

ماده ۲۹۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بر طبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده ۲۸۴ وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.



ماده ۲۹۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل بمیزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند بشرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم کنند:

- ۱ - اساسنامه‌ایکه برای شرکت سهامی عام بتصویب مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده رسیده است.
- ۲ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک بمرجع ثبت شرکتهای که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و بتأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
- ۳ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید بتصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.
- ۴ - اعلامیه تبدیل شرکت سهامی بشرکت سهامی عام که باید بامضاء دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و شماره ثبت شرکت.

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن.

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتیکه شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.

د - در صورتیکه شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت.

ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.

ط - مقررات اساسنامه جدید راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ك - ذكر نام روزنامه كثیرالانتشاري كه اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن منتشر میشود.



ماده ۲۹۵ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارك مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را بشرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به‌زینه شرکت آگهی خواهد نمود.



ماده ۲۹۶ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بشرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده میباشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج میگردد اقلاً در يك روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده ۲۹۷ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در مواردیکه برای تطبیق وضع يك شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن بنوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارك خامی بمرجع ثبت شرکتها لازم باشد و رئیس و اعضاء هیئت مدیره آن شرکت بدعوت مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده یا تسلیم آن اسناد و مدارك بمرجع ثبت شرکتها اقدام ننمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد و علاوه بر این متضامناً مسئول جبران خساراتی میباشند که بر اثر انحلال شرکت بصاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد میشود.

ماده ۲۹۸ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۲۹۷ در صورتیکه هر يك از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیئت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیئت مدیره توجه نشود عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت. سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیأت مدیره منوط به اینست که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی بهر يك از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتیکه جلسات هیأت مدیره بهر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیأت مدیره کافی است.



ماده ۲۹۹ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط بشرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری میباشد نسبت بآن شرکتها بقوت خود باقی است.

ماده ۳۰۰ (الحاقی ۱۲, ۲۴, ۱۳۴۷) - شرکتهای دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود میباشند و فقط نسبت بموضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون میشوند.

مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۹۴ - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتی تشکیل شده و هر يك از شرکاء بدون اینکه سرمایه بسهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچیک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۹۶ - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی هر کدام بچه میزان تقویم شده است.

ماده ۹۸ - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹ - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

ماده ۱۰۰ - هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد باین بطلان ندارند.

ماده ۱۰۱ - اگر حکم بطلان شرکت باستناد ماده قبل صادر شود شرکائی که بطلان مستند بعمل آنها است و هیئت نظار و مدیرهائی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت بخسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.



معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات - معاونت حقوقی ریاست جمهوری (Qavanin.ir)

قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۰۲ - سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند بشکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از بااسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل بغير نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددي نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳ - انتقال سهم‌الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمي.

ماده ۱۰۴ - شرکت با مسئولیت محدود بوسیله يك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودي معین میشوند اداره می‌گردد.

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجعه بشرکت باید با اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود - اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در اینصورت تصمیمات با اکثریت عددي شرکاء اتخاذ میشود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت میتواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ - هر يك از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است - اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور بنسبت سرمایه شرکاء بعمل خواهد آمد.

ماده ۱۰۹ - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و هیئت مزبور لااقل سالی یکمرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است. هیئت نظار میتواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده دعوت نماید مقررات مواد ۱۶۵ - ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ - شرکاء نمی‌توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر باتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع بااساسنامه باید با اکثریت عددي شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی‌تواند شریکی را مجبور باز دیاد سهم‌الشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های با مسئولیت محدود نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل میشود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج) در صورتیکه بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موّجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق میگیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر بموجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاه بردار محسوب میشوند:

الف) مؤسّسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب) کسانی که بوسیله متقلبانه سهم الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارائی یا باستناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود : اگر دارائی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر يك از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.



ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم يك نفر شرکاء ذکر شود.

در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریك یا شرکائی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامني وقتي تشكيل ميشود كه تمام سرمايه نقدي تأديه و سهم الشرکه غير نقدي نيز تقويم و تسليم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامني منافع به نسبت سهم الشرکه بين شرکاء تقسيم ميشود مگر آنکه شرکتنامه غير از اين ترتيب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامني شرکاء بايد لااقل يك نفر از ميان خود يا از خارج بسمت مدير ي معين نمايند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسئوليت مدير يا مديران شرکت تضامني همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده.

ماده ۱۲۲ - در شرکتهاي تضامني اگر سهم الشرکه يك يا چند نفر غير نقدي باشد بايد سهم الشرکه مزبور قبلابتراضي تمام شرکاء تقويم شود.

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامني هيچيك از شرکاء نمیتواند سهم خود را بديگري منتقل کند مگر برضايت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامني منحل نشده مطالبه قروض آن بايد از خود شرکت بعمل آيد و پس از انحلال طلبکاران شرکت ميتوانند براي وصول مطالبات خود بهر يك از شرکاء که بخواهند و يا بتمام آنها رجوع کنند و در هر حال هيچيك از شرکاء نمیتواند باستناد اينکه ميزان قروض شرکت از ميزان سهم او در شرکت تجاوز مينمايد از تأديه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بين شرکاء مسئوليت هر يك از آنها در تأديه قروض شرکت بنسبت سرمايه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنهم در صورتي که در شرکتنامه ترتيب ديگري اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس بعنوان شريك ضامن در شرکت تضامني موجودي داخل شود متضامناً با ساير شرکاء مسئول قروضي هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اينکه در اسم شرکت تغيير ي داده شده يا نشده باشد.

هر قرار ي که بين شرکاء برخلاف اين ترتيب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم يکن خواهد بود.

ماده ۱۲۶ - هر گاه شرکت تضامني منحل شود مادام که قروض شرکت از دارائي آن تأديه نشده هيچيك از طلبکاران شخصي شرکاء حقي در آن دارائي نخواهد داشت اگر دارائي شرکت براي پرداخت قروض آن کفايت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقيه طلب خود را از تمام يا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولي در اين مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصي شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده ۱۲۷ - ورشکستگي شرکت تضامني بعد از انحلال نيز مي توان حکم داد مشروط باينکه دارائي شرکت تقسيم نشده باشد.

ماده ۱۲۸ - ورشکستگي شرکت ملازمه قانوني با ورشکستگي شرکاء و ورشکستگي بعضي از شرکاء ملازمه قانوني با ورشکستگي شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹ - طلبکاران شخصي شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارائي شرکت تأمين يا وصول کنند ولي ميتوانند نسبت بسهميه مديون خود از منافع شرکت يا سهمي که در صورت انحلال شرکت ممکن است بمديون مزبور تعلق گيرد هر اقدام قانوني که مقتضي باشد بعمل آورند.

طلبکاران شخصي شرکاء در صورتيکه نتوانسته باشند طلب خود را از دارائي شخصي مديون خود وصول کنند و سهم مديون از منافع شرکت کافي براي تأديه طلب آنها نباشد مي توانند انحلال شرکت را تقاضا نمايند (اعم از اينکه شرکت براي مدت محدود يا غير محدود تشكيل شده باشد) مشروط بر اينکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را بوسيله اظهارنامه رسمي باطلاع شرکت رسانيده باشند در اينصورت شرکت يا بعضي از شرکاء مي توانند مادام که حکم نهايي انحلال صادر نشده با تأديه طلب دائنين مزبور تا حد دارائي مديون در شرکت يا با جلب رضايت آنان بطريق ديگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۰ - نه مديون شرکت مي تواند در مقابل طلبي که ممکن است از يکي از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شريك مي تواند در مقابل قرضي که ممکن است طلبکار او بشرکت داشته باشد به تهاتر استناد نمايد معذالك کسي که طلبکار شرکت و مديون بيکي از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شرکت حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگي يکي از شرکاء و همچنين در صورتيکه يکي از طلبکاران شخصي يکي از شرکاء بموجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد ساير شرکاء مي توانند سهمي آن شريك را از دارائي شرکت نقداً تأديه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۱۳۲ - اگر در نتيجه ضررهاي وارده سهم الشرکه شرکاء کم شود مادام که اين کمبود جبران نشده تأديه هر نوع منفعت بشرکاء ممنوع است.

ماده ۱۳۳ - جز در مورد فوق هيچ يك از شرکاء را شرکت نمي تواند بتكميل سرمايه که بعلت ضررهاي وارده کم شده است ملزم کرده و يا او را مجبور نمايد بيش از آنچه که در شرکتنامه مقرر شده است بشرکت سرمايه دهد.

ماده ۱۳۴ - هيچ شريکي نمي تواند بدون رضايت ساير شرکاء (بحساب شخصي خود يا بحساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و يا بعنوان شريك ضامن يا شريك با مسئوليت محدود در شرکت ديگري که نظير آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامني مي تواند با تصويب تمام شرکاء بشرکت سهامي مبدل گردد در اينصورت رعايت تمام مقررات راجعه بشرکت سهامي حتمي است.



ماده ۱۳۶ - شرکت تضامني در موارد ذيل منحل مي شود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تراضي تمام شرکاء:

ج) در صورتي که يکي از شرکاء بدلائلي انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نمايد و محکمه آن دلائل را موّجه دانسته و حکم بانحلال بدهد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

د) در صورت فسخ يکي از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷.

هـ) در صورت ورشکستگی يکي از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸.

و) در صورت فوت يا محجوريت يکي از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلائل انحلال منحصرأً مربوط بشريك يا شرکاء معينی باشد محکمه می‌تواند بتقاضای سایر شرکاء بجای انحلال حکم اخراج آن شريك يا شرکای معين را بدهد.

ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً بشركاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال بسال بحساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه بعمل می‌آید.

ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی يکي از شرکاء انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور ششماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت يکي از شرکاء بقاء شرکت موقوف برضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکاء ببقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یکماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع ببقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتیکه قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت باعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شريك خواهد بود ولي در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شريك بوده و نسبت بضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یکماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۴۰ - در مورد محجوريت يکي از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیر سهامی

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین يك يا چند نفر شريك ضامن و يك يا چند نفر شريك با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود.

شريك ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود - شريك با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت اوفقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد.

در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم يکي از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر يك از شرکاء با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شريك ضامن محسوب خواهد شد.

هر قرارى که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی‌اثر است.

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیر سهامی بعهده شريك يا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ - شريك با مسئولیت محدود نه بعنوان شريك حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ - اگر شريك با مسئولیت محدود معامله برای شرکت کند - در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شريك ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را بسمت وکالت از طرف شرکت انجام میدهد.

ماده ۱۴۷ - هر شريك با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و میتواند از روی دفاتر اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع بوضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد.

هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۸ - هیچ شريك با مسئولیت محدود نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود باو داخل در شرکت کند.

ماده ۱۴۹ - اگر يك يا چند نفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازه سایرین کلایاً بعضاً بشخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت.

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیرسهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شريك با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شريك ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته‌اند.

ماده ۱۵۱ - شريك ضامن را وقتی میتوان شخصاً برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده ۱۵۲ - هر گاه شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شريك با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تأدیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شريك با مسئولیت [مسئولیت] محدود اقامه دعوی نمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاءِ ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت شریک با مسئولیت محدود از سهم الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور میتوانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه بعمل آمده است تأدیه همان سرمایه اولیه شریک با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده ۱۵۴ - بشریک با مسئولیت محدود فرع نمیتوان داد مگر در صورتی که موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود.

اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه شریک با مسئولیت محدود کسر شد مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر ربح یا منفعتی باو ممنوع است.

هر گاه وجهی برخلاف حکم فوق تأدیه گردید شریک با مسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگر در موردیکه با حسن نیت و باعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده ۱۵۵ - هر کس بعنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد.

هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارائی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند - سهم الشرکه شرکاء با مسئولیت محدود نیز جزو دارائی شرکت محسوب است.

ماده ۱۵۷ - اگر دارائی شرکت برای تأدیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارائی شخصی تمام یا هر یک از شرکاءِ ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاءِ ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء با مسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود.

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکت های مختلط غیر سهامی نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع بشرکتهای تضامنی است.

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت های مختلط غیر سهامی نیز جاری است.

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمیشود.

مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکاءِ سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل میشود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند. شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود در صورت تعدّد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقل اسم یکی از شرکاءِ ضامن قید شود.

ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلف سهامی مخصوص به شریک یا شرکاءِ ضامن است.

ماده ۱۶۵ - در هر یک از شرکت های مختلط سهامی هیئت نظاری لاقل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار میشود و این هیئت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین میکند انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید میشود در هر صورت اولین هیئت نظر برای یکسال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - اولین هیئت نظر باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ و ۵۰ این قانون رعایت شده است.

ماده ۱۶۷ - اعضاء هیئت نظر از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود میباشند.

ماده ۱۶۸ - اعضاء هیئت نظر دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله راپورتی بمجمع عمومی میدهند و هر گاه در تنظیم صورت دارائی بی ترتیبی و خطائی مشاهده نمایند در راپورت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلائل خود را بیان میکنند.

ماده ۱۶۹ - هیئت نظر میتواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رأی مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی میتواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارائی و راپورت هیئت نظر اطلاع حاضر کند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگی هیچیک از شرکاءِ ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاءِ ضامن آن جاری است.

قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۷۳ - هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را پرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول میکند.

ماده ۱۷۴ - اگر شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر يك از طلبکاران شرکت میتواند بهر يك از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریك طلب خود را مطالبه نماید مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع بهیچيك از شرکاء سهامی ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائی آن تأدیة نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارائی شرکت ندارند.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ و ۵۰ شامل شرکتهاي مختلط سهامی است.

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی توانند در مقابل اشخاص خارج باین بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ - هر گاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ این قانون در مورد شرکت هاي مختلط نیز باید رعایت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل میشود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن.

د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.

ماده ۱۸۲ - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم بانحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع بانحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم بانحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن بدلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجه ببیند.

مبحث ششم - شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر يك از شرکاء بنسبت سرمایه‌ایست که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لاقلاً اسم یکنفر از شرکاء باید ذکر شود - در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریك یا شرکائی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکاء) (و برادران) ضروری است.

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۸۶ - اگر دارائی شرکت نسبی برای تأدیة تمام قروض شرکت کافی نباشد هر يك از شرکاء بنسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیة قروض شرکت است.

ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند با رعایت‌ماده فوق بفرد فرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ - هر کس بعنوان شریك ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود بنسبت سرمایه که در شرکت میگذارد مسئول قروضی هم‌خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد.

قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت باشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که بنسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت هاي نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم

شرکت‌هاي تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عدة از ارباب حرف تشکیل میشود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس بکار میبرند.

ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولید يك عده از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لاقلاً دو ثلث اعضاء اداره کننده شرکت باید از شرکائی انتخاب شوند که حرفه آن‌ها موضوع عملیات شرکت است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۱۹۲ - شرکت تعاوني مصرف شرکتي است که براي مقاصد ذيل تشکيل ميشود:

۱ - فروش اجناس لازمه براي مصارف زندگاني اعم از اينکه اجناس مزبوره را شرکاء ايجاد کرده يا خريده باشند.

۲ - تقسيم نفع و ضرر بين شرکاء بنسبت خريد هر يك از آنها.

ماده ۱۹۳ - شرکت تعاوني اعم از توليد يا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامي يا بر طبق مقررات مخصوصي که با تراضي شرکاء ترتيب داده شده باشد

تشکيل بشود ولي در هر حال مفاد مواد ۳۲ - ۳۳ لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۹۴ - در صورتيکه شرکت تعاوني توليد يا مصرف مطابق اصول شرکت سهامي تشکيل شود حداقل سهام يا قطعات سهام ده ريال خواهد بود و هيچيك از شرکاء

نمي‌توانند در مجمع عمومي بيش از يك رأي داشته باشد.

فصل دوم

در مقررات راجعه بثبت شرکتها و نشر شرکتنامه‌ها

ماده ۱۹۵ - ثبت کليه شرکتهاي مذکور در اينقانون الزامي و تابع جميع مقررات قانون ثبت شرکتها است.



ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتجاتي که براي بثبت رسانيدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدليه معين ميشود.



ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکيل هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمّات آن طبق نظامنامه وزارت عدليه اعلان خواهد شد.



ماده ۱۹۸ - اگر بعلت عدم رعايت دستور دو ماده فوق بطلان عمليات شرکت اعلام شد هيچيك از شرکاء نمي‌توانند اين بطلان را در مقابل اشخاص ثالثي که با آنها معامله

کرده‌اند عذر قرار دهند.

ماده ۱۹۹ - هر گاه شرکت در چندين حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ بايد بقسميکه در نظامنامه وزارت عدليه معين ميشود در هر حوزه جداگانه

انجام گردد.



ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصميماتي براي تغيير اساسنامه شرکت يا تمديد مدت شرکت زائد بر مدت مقرر يا انحلال شرکت (حتي در مواردیکه انحلال بواسطه انقضاي

مدت شرکت صورت ميگيرد) و تعيين کيفيت تفريغ حساب يا تبديل شرکاء يا خروج بعضي از آنها از شرکت يا تغيير اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷

لازم‌الرعايه است. همين ترتيب در موقع هر تصميمي که نسبت بمورد معين در ماده ۷۹ اين قانون اتخاذ ميشود رعايت خواهد شد.

ماده ۲۰۱ (اصلاحي ۱۳۹۹، ۱۱، ۰۸) - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غيره که بطور خطي يا چاپي از طرف شرکت هاي مذکور در اين قانون باستثناي

شرکتهاي تعاوني صادر ميشود سرمايه شرکت صريحاً بايد ذکر گردد و اگر تمام سرمايه پرداخته نشده قسمتي که پرداخته شده نيز بايد صريحاً معين شود - شرکت



متخلف بجزاي نقدي از ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال محکوم خواهد شد.

تبصره - شرکتهاي خارجي نيز که بوسيله شعبه يا نماينده در ايران اشتغال بتجارت دارند در مورد اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات خود در ايران مشمول

مقررات اين ماده خواهند بود.

فصل سوم

در تصفيه امور شرکتها

ماده ۲۰۲ - تصفيه امور شرکتها پس از انحلال موافق مواد ذيل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگي که تابع مقررات مربوط بورشکستگي است.

ماده ۲۰۳ - در شرکت هاي تضامني و نسبي و مختلط سهامي و غيرسهامي امر تصفيه با مدير يا مديران شرکت است مگر آنکه شرکاء ضامن اشخاص ديگري را از خارج يا

از بين خود براي تصفيه معين نمايند.

ماده ۲۰۴ - اگر از طرف يك يا چند شريك ضامن تعيين اشخاص مخصوص براي تصفيه تقاضا شد و ساير شرکاء ضامن آن تقاضا را نپذيرفتند محکمه بدايت اشخاصي را

براي تصفيه معين خواهد کرد.

ماده ۲۰۵ - در هر مورد که اشخاصي غير از مديران شرکت براي تصفيه معين شوند اسامي آنها بايد در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده ۲۰۶ - در شرکتهاي مختلط (سهامي و غير سهامي) شرکاء غير ضامن حق دارند يك يا چند نفر براي نظارت در امر تصفيه معين نمايند.

ماده ۲۰۷ -ظيفه متصديان تصفيه خاتمه دادن بکارهاي جاري و اجراي تعهدات و وصول مطالبات و تقسيم دارائي شرکت است بترتيب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ -

۲۱۱ و ۲۱۲.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۰۸ - اگر براي اجراي تعهدات شرکت معاملات جديدي لازم شود متصديان تصفيه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ - متصديان تصفيه حق دارند شخصاً يا بتوسط وكيل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده ۲۱۰ - متصدي تصفيه وقتي حق اصلاح و تعيين حکم دارد که شرکاءِ ضامن باو اجازه داده باشند - مواردی که بحکم قانون حکمیت اجباري است از اينقاعده مستثني است.

ماده ۲۱۱ - آن قسمت از دارائي شرکت که در مدت تصفيه محل احتياج نيست بطور موقت بين شرکاء تقسيم ميشود ولي متصديان تصفيه بايد معادل قروضي که هنوز موعد تأديه آن نرسيده است و همچنين معادل مبلغی که در حساب بين شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمايند.

ماده ۲۱۲ - متصديان تصفيه حساب شرکاء را نسبت بهم و سهم هر يك از شرکاء را از نفع و ضرر معين ميکنند - رفع اختلاف در تقسيم بمحکمه بدایت رجوع مي‌شود.

ماده ۲۱۳ - در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفيه بعهدہ مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه يا اکثریت مجمع عمومي شرکت ترتيب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۱۴ - وظیفه و اختيارات متصديان تصفيه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و تعاونی بترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقررشده با اين تفاوت که حق اصلاح و تعيين حکم براي متصديان تصفيه اين شرکتها (باستثناي مورد حکمیت اجباري) فقط وقتي خواهد بود که اساسنامه يا مجمع عمومي اين حق را بآنها داده باشد.

ماده ۲۱۵ - تقسيم دارائي شرکتهای مذکور در ماده فوق بين شرکاء خواه در ضمن مدت تصفيه و خواه پس از ختم آن ممکن نيست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمي و یکی از جرايد اعلان و یکسال از تاريخ انتشار اولين اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصديان تصفيه را مسئول خسارت طلبکاراني قرار خواهد داد که بطلب خود نرسيده‌اند.

ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتي که منحل شده با نظر مدير ثبت اسناد در محل معينی از تاريخ ختم تصفيه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتي مجاز است در اساسنامه خود براي تصفيه ترتيب دیگری مقرر دارد ولي در هر حال آن مقررات نبايد مخالف مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۲۱۶ و قسمت اخير ماده ۲۱۱ باشد.

فصل چهارم - مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوي اشخاص ثالث بر عليه شرکاء يا وراث آنها راجع بمعاملات شرکت (در مواردیکه قانون شرکاء يا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنجسال است.

مبداء مرور زمان روزي است که انحلال شرکت يا کناره گیری شريك يا اخراج او از شرکت در اداره ثبت بثبت رسیده و در مجله رسمي اعلان شده باشد. در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزي شروع مي شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده.

تبصره - دعوائی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه تري بوده يا بموجب اينقانون مرور زمان طولاني تري براي آن معين شده از مقررات اين ماده مستثني است.

ماده ۲۲۰ (اصلاحي ۱۳۹۹, ۱۱, ۰۸) - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته يا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال بامور تجارتي خود را بصورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع بشرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا میگردد. هر شرکت تجارتي ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف بثبت است بايد درکليه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطي يا چاپي خود در ایران تصريح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم بجزاي نقدي از ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال خواهد شد - اين مجازات علاوه بر مجازاتي است که در قانون ثبت شرکتها براي عدم ثبت مقرر شده.

ماده ۲۲۱ - اگر شرکت سهام يا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت يا تصميم مجمع عمومي قيمت آنها بطريق قرعه بايد تأديه شود و قبل از تأديه قيمت آن سهام يا اوراق منفعی که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تأديه اصل قيمت نمی تواند منافع تأديه شده را استرداد نماید.

ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجارتي می تواند در اساسنامه خود قيد کند که سرمايه اوليه خود را بوسیله تأديه اقساط بعدي از طرف شرکاء يا قبول شريك جديد زياد کرده و يا بواسطه برداشت از سرمايه آن را تقليل دهد.

در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمايه اوليه را تقليل داد صراحتاً معين می شود.

کمتر از عشر سرمايه اوليه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

باب چهارم

برات - فته طلب - چک

فصل اول - برات

مبحث اول - صورت برات



قانون تجارت - مصوب ۱۳/۰۲/۱۳۱۱

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

(۱) قید کلمه (برات) در روی ورقه.

(۲) تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

(۳) اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.

(۴) تعیین مبلغ برات.

(۵) تاریخ تأدیه وجه برات.

(۶) مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.

(۷) اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می شود.

(۸) تصریح باینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.



ماده ۲۲۴ - برات ممکن است بحواله کرد شخص دیگر باشد یا بحواله کرد خود برات دهنده.

ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود.

اگر مبلغ بیش از یکدفعه بتمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده ۲۲۶ - در صورتیکه برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.

ماده ۲۲۷ - برات ممکن است بدستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم - در قبول و نکول

ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود.

در صورتیکه برات بوعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد - اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات رؤیت حساب می شود.

ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.

اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است.

در صورتیکه محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.

ماده ۲۳۰ - قبول کننده برات ملزم است وجه آنرا سر وعده تأدیه نماید.

ماده ۲۳۱ - قبول کننده حق نکول ندارد.

ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر بیک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.

ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط بشرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی معذراً قبول کننده بشرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تأدیه شود تصریح بمکان تأدیه ضروری است.

ماده ۲۳۵ - برات باید بمحض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ماده ۲۳۶ - نکول برات باید بموجب تصدیقنامه که رسماً تنظیم میشود محقق گردد - تصدیقنامه مزبور موسوم است باعتراض (پروتست) نکول.



ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهنویسها و برات دهنده بتقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را بانضمام مخارج اعتراضنامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.

ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آنرا بنحو دیگری تضمین کند.

مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث

ماده ۲۳۹ - هر گاه براتی نکول شد و اعتراض بعمل آمد شخص ثالثی میتواند آنرا بنام برات دهنده یا یکی از ظهنویسها قبول کند - قبولی شخص ثالث باید در اعتراضنامه قید شده بامضاء او برسد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها حاصل میشود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم - در وعده برات

ماده ۲۴۱ - برات ممکن است برؤیت باشد یا بوعده يك يا چند روز يا يك يا چند ماه از رؤیت برات یا بوعده يك يا چند روز یا يك يا چند ماه از تاریخ برات - ممکن است پرداخت بروز معینی موکول شده باشد.

ماده ۲۴۲ - هر گاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

ماده ۲۴۳ - موعد پرداخت براتی که يك يا چند روز يا يك يا چند ماه از رؤیت وعده دارد بوسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراضنامه نکول معین میشود.

ماده ۲۴۴ - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد تعطیل تأدیه شود.

تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجاری نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم - ظهرنویسی

ماده ۲۴۵ - انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می‌آید.

ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد - ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات باو انتقال داده میشود قید گردد.

ماده ۲۴۷ - ظهرنویسی حاکمی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی‌الافتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردیکه خلاف این در برات تصریح شده باشد.

ماده ۲۴۸ - هر گاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته میشود.

مبحث ششم - مسئولیت

ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسیکه برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا بچند نفر یا بتمام آنها مجتمعاً رجوع نماید.

همین حق را هر يك از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی بر علیه يك يا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع بسایر مسئولین برات نیست - اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.



ماده ۲۵۰ - هر يك از مسئولین تأدیه برات میتواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورت‌حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند.

ماده ۲۵۱ - هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می‌تواند در هر يك از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید - مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی‌تواند برای وجهی که بصاحب چنین طلب پرداخته میشود بمدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجوهی که از دارائی تمام ورشکستگان بصاحب طلب تخصیص می‌یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید بترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند - جزء دارائی ورشکستگان محسوب گردد که بسایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفري نیز که برای پرداخت يك دين مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم - در پرداخت

ماده ۲۵۲ - پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده بعمل می‌آید.

ماده ۲۵۳ - اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را باو منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تأدیه اعتراض شود دارنده برات میتواند از دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده ۲۵۴ - برات بوعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.

ماده ۲۵۵ - روز رؤیت در برواتی که بوعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که بوعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده ۲۵۶ - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت بوجه برات حقی دارند مسئول است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۵۷ - اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظرنویسهای ماقبل خود و برات دهنده که بمهلت مزبور رضایت نداده‌اند حق رجوع نخواهد داشت.

ماده ۲۵۸ - شخصی که در سر وعده وجه برات را می‌پردازد بری‌الذمه محسوب میشود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.

ماده ۲۵۹ - پرداخت وجه برات ممکن است بموجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ بعمل آید در صورتیکه در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه بموجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است.

ماده ۲۶۰ - شخصی که وجه برات را بر حسب نسخهٔ بپردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است.

ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می‌تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند.

ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخهٔ باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه‌های دیگر فقط بموجب امر محکمه پس از دادن ضامن بعمل می‌آید.

ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده - اعم از اینکه قبولی نوشته شده یا نشده باشد میتواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق باو است میتواند با دادن ضامن تأدیه وجه آنرا بموجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضائی که در مورد مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ بعمل آمده است از تأدیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود میتواند تمام حقوق خود را بموجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.

ماده ۲۶۵ - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و بترتیبی که در این قانون برای ابلغ اعتراضنامه معین شده است به برات دهنده و ظرنویسها ابلاغ گردد.

ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید بظرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید - ظرنویس مزبور ملزم است بصاحب برات اختیار مراجعه بظرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظرنویس باید اختیار رجوع بظرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد - مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود.

ظرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع بمواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هر گاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود بهمان اندازه برات دهنده و ظرنویسها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند.

ماده ۲۶۹ - محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم - تأدیه وجه برات بواسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی میتواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید - دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یا در ذیل آن قید شود.



ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.



ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظرنویسها بری‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظرنویسها بعمل آید ظرنویسهای بعد از او بری‌الذمه‌اند.

ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفقاً هر يك از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری‌الذمه میکند - اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران برویت یا بوعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آنرا در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع بظرنویسها و همچنین ببرات‌دهنده که وجه برات را بمحال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع بظرنویسها و برات‌دهنده که وجه برات را بمحال علیه رسانیده است نخواهد داشت.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۷۶ - اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس نمیتواند از مقررات مربوطه بیروا استفاده کند.

ماده ۲۷۷ - هر گاه دارنده برات برؤیت یا بوعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارجه تأدیه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد.

ماده ۲۷۸ - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات‌دهنده و ظهرنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۲۸۰ - امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده بوسیله نوشته که اعتراض عدم تأدیه نامیده میشود معلوم گردد.



ماده ۲۸۱ - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده ۲۸۲ - نه فوت محال علیه نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده ۲۸۳ - در صورتیکه قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

ماده ۲۸۴ - دارنده براتیکه بعلت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تأدیه را بوسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه بکسی که برات را باو واگذار نموده اطلاع دهد.



ماده ۲۸۵ - هر يك از ظهرنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آنرا بهمان وسیله بظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ (اصلاحی ۱۳۵۸، ۱۰، ۲۶) - اگر دارنده براتیکه بایستی در ایران تأدیه شود و بعلت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید.



تبصره - هر گاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یکروز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ (اصلاحی ۱۳۵۸، ۱۰، ۲۶) - در مورد برواتیکه باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهرنویس های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید بعمل آید.



ماده ۲۸۸ - هر يك از ظهرنویسها بخواهد از حقی که در ماده ۲۴۹ باو داده شده استفاده نماید باید در مواعدي که بموجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت باو موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه نماید از فردای روز تأدیه محسوب خواهد شد.



ماده ۲۸۹ - پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویسها و همچنین دعوی هر يك از ظهرنویسها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.



ماده ۲۹۰ - پس از انقضای مواعد فوق دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات بر علیه برات‌دهنده نیز پذیرفته نمیشود مشروط بر اینکه برات‌دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را بمحال علیه رسانیده و در اینصورت دارنده برات فقط حق مراجعه بمحال علیه خواهد داشت.

ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراضنامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات‌دهنده یا هر يك از ظهرنویسها بطریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تأدیه برات بمحال علیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهدداشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید.

ماده ۲۹۲ - پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است بمجرد تقاضای دارنده براتیکه بعلت عدم تأدیه اعتراض شده است معادل وجه برات را اموال مدعی علیه بعنوان تأمین توقیف نماید.



مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل بعمل می‌آید:

(۱) در مورد نکول.

(۲) در مورد امتناع از قبول یا نکول.

(۳) در مورد عدم تأدیه.

اعتراضنامه باید در يك نسخه تنظیم و بموجب امر محکمه بدایت بتوسط مأمور اجراء بمحل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود:

(۱) محال علیه.

(۲) اشخاصیکه در برات برای تأدیه وجه عندالافتضاء معین شده‌اند.

(۳) شخص ثالثی که برات را قبول کرده است.

اگر در محلی که اعتراض بعمل می‌آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب بعهدہ امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهدبود.



ماده ۲۹۴ - اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

(۱) سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظہرنویسی و غیره.

(۲) امر بتأدیه وجه برات.

مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصیکه باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل

اعتراضنامه قید و امضاء کند.

ماده ۲۹۵ - هیچ نوشته نمیتواند از طرف دارنده برات جایگیر اعتراضنامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع بمفقودشدن برات.



ماده ۲۹۶ - مأمور اجرا باید سواد صحیح اعتراضنامه را بمحل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد.

ماده ۲۹۷ - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتیکه وظیفه محکمه را انجام میدهند باید مفاد اعتراضنامه را روز بروز بترتیب تاریخ و نمره در دفترمخصوصی که صفحات آن

بتوسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند - در صورتیکه محل اقامت برات‌دهنده یاظہرنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر

محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم - برات رجوعی

ماده ۲۹۸ - برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ بعهدہ برات‌دهنده یا یکی از

ظہرنویسها صادر میکند.

ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعی بعهدہ برات‌دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن بعهدہ اوخواهد بود و اگر برات رجوعی

بعهدہ یکی از ظہرنویسها صادر شود مشارالیه باید از عهدہ تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آنجا معامله یاتسلیم کرده است و نرخ مکانی که برای رجوعی در آنجا

صادر شده است بر آید.

ماده ۳۰۰ - به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت) ضمیمه شود - در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید میگردد:

(۱) اسم شخصی که برات رجوعی بعهدہ او صادر شده است.

(۲) مبلغ اصلی برات اعتراض شده.

(۳) مخارج اعتراضنامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق‌العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره.

(۴) مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده (۲۹۹).

ماده ۳۰۱ - صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود بعلاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی ازاعتراضنامه بصورت حساب

مزبور ضمیمه گردد.

ماده ۳۰۲ - هر گاه برات رجوعی بعهدہ یکی از ظہرنویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیقنامه که تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات

اصلی و مکان صدور آنرا معین نماید ضمیمه شود.

ماده ۳۰۳ - نسبت بیک برات صورت حساب بازگشت متعدد نمیتوان ترتیب داد و اگر برات رجوعی بعهدہ یکی از ظہرنویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیاً

بتوسط ظہرنویسها پرداخته میشود تا به برات دهنده اولی برسد.

تحمیلات براتهای رجوعی را نمیتوان تماماً بر یکنفر وارد ساخت - هر يك از ظہرنویسها و برات دهنده اولی فقط عهدہ دار يك خرج است.

ماده ۳۰۴ - خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که بواسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی

فقط از روز اقامه دعوی محسوب میشود.



مبحث دوازدهم - قوانین خارجی



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳



ماده ۳۰۵ - در مورد برواتي که در خارج ايران صادر شده شرايط اساسي برات تابع قوانين مملکت صدور است.

هر قسمت از ساير تعهدات براتي (تعهدات ناشي از ظہر نويسي - ضمانت - قبولي و غيره) نیز که در خارج بوجود آمده تابع قوانين مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است.

معذالك اگر شرايط اساسي برات مطابق قانون ايران موجود و يا تعهدات براتي موافق قانون ايران صحيح باشد کسانی که در ايران تعهداتي کرده‌اند حق استناد باين ندارند که شرايط اساسي برات يا تعهدات براتي مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانين خارجي نیست.



ماده ۳۰۶ - اعتراض و بطور کلي هر اقدامي که براي حفظ حقوق ناشيه از برات و استفاده از آن در خارج بايد بعمل آيد تابع قوانين مملکتی خواهد بود که آن اقدام بايد در آنجا بشود.



فصل دوم - در فته طلب

ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که بموجب آن امضاء کننده تعهد میکند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا بحواله کرد آن شخص کارسازي نماید.



ماده ۳۰۸ - فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر بايد داراي تاريخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

۱) مبلغی که بايد تأديه شود با تمام حروف.

۲) گیرنده وجه.

۳) تاريخ پرداخت.

ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الي آخر فصل اول اين باب) در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعايه است.



فصل سوم - چك

ماده ۳۱۰ - چك نوشته ایست که بموجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌عليه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا بدیگري واگذار مینماید.



ماده ۳۱۱ - در چك بايد محل و تاريخ صدور قيد شده و بامضاي صادرکننده برسد - پرداخت وجه نبايد وعده داشته باشد.



ماده ۳۱۲ - چك ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا بحواله کرد باشد - ممکن است بصرف امضاء در ظہر بدیگري منتقل شود.



ماده ۳۱۳ - وجه چك بايد بمحض ارائه کارسازي شود.



ماده ۳۱۴ - صدور چك ولو اینکه از محلي بمحل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتي محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظہر نويس ها و اعتراض و اقامه دعوي ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چك نیز خواهد بود.



ماده ۳۱۵ - اگر چك در همان مكاني که صادر شده است بايد تأديه گردد دارنده چك بايد در ظرف پانزده روز از تاريخ صدور وجه آنرا مطالبه کند و اگر از يك نقطه به نقطه دیگر ايران صادر شده باشد بايد در ظرف چهل و پنج روز از تاريخ صدور چك مطالبه شود.

اگر دارنده چك در ظرف مواعد مذکوره در اين ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوي او بر عليه ظہر نويس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چك بسببي که مربوط بمحال‌عليه است از بين برود دعوي دارنده چك بر عليه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.



ماده ۳۱۶ - کسی که وجه چك را دریافت میکند بايد ظہر آنرا امضاء یا مهر نماید اگرچه چك در وجه حامل باشد.

ماده ۳۱۷ - مقررات راجعه به چك هائي که در ايران صادر شده است در مورد چكهايی که از خارج صادر شده و بايد در ايران پرداخته شود نیز رعايت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چك مي تواند وجه چك را مطالبه کند چهار ماه از تاريخ صدور است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

فصل چهارم - در مرور زمان

ماده ۳۱۸ - دعاوي راجعه به برات و فته طلب و چك كه از طرف تجار يا براي امور تجارتي صادر شده پس از انقضاي پنجسال از تاريخ صدور اعتراضنامه و يا آخرين تعقيب قضائي در محاكم مسموع نخواهد بود مگر اينكه در ظرف اين مدت رسماً اقرار به دين واقع شده باشد كه در اين صورت مبداء مرور زمان از تاريخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاريخ انقضاء مهلت اعتراض شروع ميشود.



تبصره - مفاد اين ماده در مورد بروات و چك و فته طلبهائي كه قبل از تاريخ اجراي قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردين و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و اين اسناد از حيث مرور زمان تابع مقررات مربوط بمرور زمان راجع باموال منقوله است.

ماده ۳۱۹ - اگر وجه برات يا فته طلب يا چك را نتوان بواسطه حصول مرور زمان پنجسال مطالبه كرد دارنده برات يا فته طلب يا چك ميتواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آنرا از كسي كه بضرر او استفاده بلاجهت كرده است مطالبه نمايد.

تبصره - حكم فوق در مورد دي نيز جاري است كه برات يا فته طلب يا چك يكي از شرايط اساسي مقرر در اين قانون را فاقد باشد.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل

ماده ۳۲۰ - دارنده هر سند در وجه حامل مالك و براي مطالبه وجه آن محق محسوب ميشود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذلك اگر مقامات صلاحيتدار قضائي يا پليس تأديه وجه آن سند را منع كند تأديه وجه بحامل مديون را نسبت بشخص ثالثي كه ممكن است سند متعلق باو باشد بري نخواهد كرد.

ماده ۳۲۱ - جز در مورد ديكه حكم بطلان سند صادر شده مديون سند در وجه حامل مكلف به تأديه نيست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده ۳۲۲ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل كه داراي ورقه هاي كوپن يا داراي ضميمه براي تجديد اوراق كوپن باشد و همچنين در صورت گم شدن سند در وجه حامل كه خود سند بدارنده آن حق ميدهد ربح يا منفعتي را مرتباً دريافت كند براي اصدار حكم بطلان مطابق ذيل عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۳ - مدعي بايد در محكمه محل اقامت مديون معلوم نمايد سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است.

اگر مدعي فقط اوراق كوپن يا ضميمه مربوط بسند خود را گم كرده باشد ابراز خود سند كافي است.

ماده ۳۲۴ - اگر محكمه ادعاي مدعي را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست بايد بوسيله اعلان در جرايد بدارنده مجهول سند اخطار كند - هرگاه از تاريخ انتشار اولين اعلان تا سه سال سند را ابراز ننمود حكم بطلان آن صادر خواهد شد - محكمه ميتواند لذي الاقتضاء مدتي بيش از سه سال تعيين كند.

ماده ۳۲۵ - بتقاضاي مدعي محكمه ميتواند بمديون قدغن كند كه وجه سند را بكسي نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن يا تأميني كه محكمه تصويب نمايد.

ماده ۳۲۶ - در مورد گم شدن اوراق كوپن نسبت بكوپنهائي كه در ضمن جريان دعوي لازم التأديه ميشود بترتيب مقرر در مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۷ - اخطار مذكور در ماده ۳۲۴ بايد سه دفعه در مجله رسمي منتشر شود محكمه ميتواند بعلاوه اعلان در جرايد ديگر را نيز مقرر دارد.

ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محكمه بمدعي مهلت متناسبي داده و اخطار خواهد كرد كه هر گاه تا انقضاي مهلت دعوي خود را تعقيب و دلائل خود را اظهار نكند محكوم شده و سند به ابراز كننده آن مسترد خواهد گرديد.

ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدت يكه مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محكمه حكم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً بوسيله درج در مجله رسمي و هر وسيله ديگري كه محكمه مقتضي بداند به اطلاع عموم خواهد رسيد.

ماده ۳۳۱ - پس از صدور حكم ابطال مدعي حق دارد تقاضا كند بخرج او سند جديد يا لذي الاقتضاء اوراق كوپن تازه باو بدهند. اگر سند حال شده باشد مدعي حق تقاضاي تأديه خواهد داشت.

ماده ۳۳۲ - هر گاه سند گم شده از اسناد مذكور در ماده (۳۲۲) نباشد بترتيب ذيل رفتار خواهد شد:

محكمه در صورتيكه ادعاي مدعي سبق تصرف و گم كردن سند را قابل اعتماد ديد حكم ميدهد مديون وجه سند را فوراً در صورتيكه حال باشد وپس از انقضاء اجل - در صورت مؤجل بودن - بصندوق عدليه بسپارد.

ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضاي مدت مرور زماني كه وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نيست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار و الا وجهي كه در صندوق عدليه امانت گذاشته شده بمدعي داده ميشود.

ماده ۳۳۴ - مقررات اين باب شامل اسكناس نيست.

باب ششم - دلالي

فصل اول - كليات



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسیکه میخواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا میکند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع بوکالت است.

ماده ۳۳۶ - دلال میتواند در رشته‌های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود میباشد.

ماده ۳۳۸ - دلال نمیتواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات باو داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط بشخص او نبوده است.

ماده ۳۴۰ - در موردیکه فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

ماده ۳۴۱ - دلال میتواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالی کند ولی در اینصورت باید آمرین را از این ترتیب وامور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.

ماده ۳۴۲ - هر گاه معامله بتوسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین بتوسط او رد و بدل شود در صورتیکه امضاها راجع باشخصی باشد که بتوسط او معامله را کرده‌اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاها و نوشتجات و اسناد مزبور است.

ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی میکند و ضامن اجرای معاملاتی که بتوسط او می‌شود نیست.

ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

ماده ۳۴۵ - هر گاه طرفین معامله یا یکی از آنها باعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

ماده ۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۹۹، ۱۱، ۰۸) - در صورتیکه دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید بطرفی که این نکته را نمیداند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۲۵ تا ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۶۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۷ - در صورتیکه دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم - اجرت دلال و مخارج

ماده ۳۴۸ - دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتیکه معامله براهنمائی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که باو مأموریت داده بنفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم بمجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.

ماده ۳۵۰ - هر گاه معامله مشروط بشرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال میکند باو داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.

ماده ۳۵۲ - در صورتیکه معامله برضایت طرفین یا بواسطه یکی از خيارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی‌شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده ۳۵۳ - دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

ماده ۳۵۴ - حق الزحمه دلال بعهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصومی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

ماده ۳۵۵ (منسوخه ۱۳۰۷، ۱۲، ۱۳۱۷) - حق الزحمه دلال بواسطه قرارداد مخصوصی باید معین شده باشد و الا محکمه با رجوع باهل خبره و رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و نوع معامله حق الزحمه را معین خواهد کرد.

**فصل سوم (منسوخه ۱۳۰۷، ۱۲، ۱۳۱۷) - دفتر**

قانون تجارت - مصوب ۱۳/۰۲/۱۳۱۱

ماده ۳۵۶ - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که بدلالی او انجام گرفته بترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

(۱) اسم متعاملین.

(۲) مالی که موضوع معامله است.

(۳) نوع معامله.

(۴) شرایط معامله با تشخیص باینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا بوعده است.

(۵) عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا بوعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتیکه برات باشد بررؤیت است یا بوعده.

(۶) امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه.

دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع بدفاتر تجاری است.

**باب هفتم**

حق العمل کاری (کمسیون)

ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که باسم خود ولی بحساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت میدارد.

ماده ۳۵۸ - جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه بوکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۳۵۹ - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را بفوریت باو اطلاع دهد.

ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) بوسایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

ماده ۳۶۲ - اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می تواند و حتی در صورتیکه منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او بفروش برساند.

ماده ۳۶۳ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده بفروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آنرا در حساب آمر محسوب دارد.

ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجاری محل باشد حق العمل کار مأذون بآن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله باعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجاری بلد او را مسئول قرار دهد.

ماده ۳۶۸ - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که بنفع آمر داده باشد باید اصلاً ومنفعتاً به حق العمل کار مسترد شود.

حق العمل کار میتواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز بحساب آمر گذارد.

ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل میشود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند بفعل آمر باشد.

نسبت باموریکه در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین مینماید.

ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که بحساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود - بعلاوه در دو صورت اخیر آمر میتواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست.

ماده ۳۷۱ - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت باموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت بقیمتی که اخذ کرده - حق حبس خواهد داشت.

ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده بفروش برساند.

اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید باو اخطاریه رسمی ارسال گردد



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.

ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مأمور بخريد يا فروش مال التجاره يا اسناد تجارتي و يا ساير اوراق بهاداري باشد که مظنه بورسي يا بازاري دارد ميتواند چيزي را که مأمور بخريد آن بوده خود شخصاً بعنوان فروشنده تسليم بکند و يا چيزيرا که مأمور بفروش آن بوده شخصاً بعنوان خريدار نگاهدارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حق العمل کار بايد قيمت را بر طبق مظنه بورسي يا نرخ بازار در روزي که وکالت خود را انجام ميدهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عاديہ حق العمل کاري را برداشت کند.

ماده ۳۷۵ - در هر موردیکه حق العمل کار شخصاً ميتواند خريدار يا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعيين طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از اين رجوع مستحضر گردد ديگر نميتواند شخصاً خريدار يا فروشنده واقع شود.

باب هشتم - قرارداد حمل و نقل

ماده ۳۷۷ - متصدي حمل و نقل کسي است که در مقابل اجرت حمل اشياء را بعهده ميگيرد.

ماده ۳۷۸ - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردیکه ذيلاً استثناء شده باشد.

ماده ۳۷۹ - ارسال کننده بايد نکات ذيل را باطلاع متصدي حمل و نقل برساند:

آدرس صحيح مرسل اليه - محل تسليم مال - عده عدل يا بسته و طرز عدل بندي - وزن و محتوي عدل ها - مدتي که مال بايد در آن مدت تسليم شود - راهي که حمل بايد از آن راه بعمل آيد - قيمت اشياي که گرانبيا است. خسارات ناشيه از عدم تعيين نکات فوق و يا از تعيين آنها بغلط متوجه ارسال کننده خواهد بود.

ماده ۳۸۰ - ارسال کننده بايد مواظبت نمايد که مال التجاره بطرز مناسبی عدل بندي شود - خسارات بحري (آواري) ناشي از عيوب عدل بندي بعهده ارسال کننده است.

ماده ۳۸۱ - اگر عدل بندي عيب ظاهر داشته و متصدي حمل و نقل مال را بدون قيد عدم مسئوليت قبول کرده باشد مسئول آواري خواهد بود.

ماده ۳۸۲ - ارسال کننده ميتواند مادام که مال التجاره در يد متصدي حمل و نقل است آنرا با پرداخت مخارجي که متصدي حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگيرد.

ماده ۳۸۳ - در موارد ذيل ارسال کننده نميتواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند:

۱ - در صورتیکه بارنامه توسط ارسال کننده تهيه و بوسيله متصدي حمل و نقل بمرسل اليه تسليم شده باشد.

۲ - در صورتیکه متصدي حمل و نقل رسيدي بارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آنرا پس دهد.

۳ - در صورتیکه متصدي حمل و نقل به مرسل اليه اعلام کرده باشد که مال التجاره بمقصد رسيده و بايد آن را تحويل گيرد.

۴ - در صورتیکه پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل اليه تسليم آنرا تقاضا کرده باشد.

در اين موارد متصدي حمل و نقل بايد مطابق دستور مرسل اليه عمل کند معذالك اگر متصدي حمل و نقل رسيدي بارسال کننده داده مادام که مال التجاره بمقصد نرسيده مکلف برعايت دستور مرسل اليه نخواهد بود مگر اینکه رسيد بمرسل اليه تسليم شده باشد.

ماده ۳۸۴ - اگر مرسل اليه مال التجاره را قبول نکند و يا مخارج و ساير مطالبات متصدي حمل و نقل بابت مال التجاره تأديه نشود و يا بمرسل اليه دسترسي نباشد متصدي حمل و نقل بايد مراتب را باطلاع ارسال کننده رسانيده و مال التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاهداشته يا نزد ثالثي امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عين بعهده ارسال کننده خواهد بود.

اگر ارسال کننده و يا مرسل اليه در مدت مناسبی تکليف مال التجاره را معين نکند متصدي حمل و نقل مي تواند مطابق ماده ۳۶۲ آنرا بفروش برساند.

ماده ۳۸۵ - اگر مال التجاره در معرض تضییع سريع باشد و يا قيمتي که ميتوان براي آن فرض کرد با مخارجي که براي آن شده تکافو ننمايد متصدي حمل و نقل بايد فوراً مراتب را باطلاع مدعي العموم بدایت محل يا نماينده او رسانيده و با نظارت او مال را بفروش رساند. حتي المقدور ارسال کننده و مرسل اليه را بايد از اینکه مال التجاره بفروش خواهد رسيد مسبق نمود.

ماده ۳۸۶ - اگر مال التجاره تلف يا گم شود متصدي حمل و نقل مسئول قيمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نمايد تلف يا گم شدن مربوط بجنس خود مال التجاره يا مستند بتقصير ارسال کننده و يا مرسل اليه و يا ناشي از تعليماتي بوده که يکي از آنها داده اند و يا مربوط بحوادثي بوده که هيچ متصدي مواظبي نیز نميتوانست از آن جلوگیری نمايد قرارداد طرفين ميتواند براي ميزان خسارت مبلغی کمتر يا زيادتر از قيمت کامل مال التجاره معين نمايد.

ماده ۳۸۷ - در مورد خسارات ناشيه از تأخير تسليم يا نقص يا خسارات بحري (آواري) مال التجاره نیز متصدي حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود. خسارات مزبور نمي تواند از خساراتي که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نمايد مگر اینکه قرارداد طرفين خلاف اين ترتيب را مقرر داشته باشد.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۳۸۸ - متصدي حمل و نقل مسئول حوادث و تقصيراتي است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت بحمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگر را مأمور کرده باشد - بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدي حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

ماده ۳۸۹ - متصدي حمل و نقل باید بمحض وصول مال التجاره مرسل الیه را مستحضر نماید.

ماده ۳۹۰ - اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدي حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه مینماید قبول نکند حق تقاضاي تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده ۳۹۱ - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود دیگر بر علیه متصدي حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدي حمل و نقل مسئول آواری غیرظاهر نیز خواهد بود در صورتیکه مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی بمال التجاره ممکن بود بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده بمتصدي حمل و نقل اطلاع دهد در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده ۳۹۲ - در هر موردی که بین متصدي حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می تواند بتقاضاي یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لادی الاقتضاء فروخته شود در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید. بوسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعا می شود و یا سپردن آن بصندوق عدلیه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.

ماده ۳۹۳ - نسبت بدعوی خسارت بر علیه متصدي حمل و نقل مدت مرور زمان یکسال است - مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال بمرسل الیه تسلیم شده.

ماده ۳۹۴ - حمل و نقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

باب نهم - قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری

ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجاری کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً.

ماده ۳۹۶ - تحدید اختیارات قائم مقام تجاری در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست.

ماده ۳۹۷ - قائم مقام تجاری ممکن است بچند نفر مجتمعاً داده شود با قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته اند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده ۳۹۸ - قائم مقام تجاری بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارتخانه نایب خود قرار دهد.

ماده ۳۹۹ - عزل قائم مقام تجاری که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا درمقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود.

ماده ۴۰۰ - با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجاری منعزل نیست - با انحلال شرکت قائم مقام تجاری منعزل است.

ماده ۴۰۱ - وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارتخانه یا شعبه تجارتخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع بوکالت است.

باب دهم - ضمانت

ماده ۴۰۲ - ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدواً بمدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب باو رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرار داد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده ۴۰۳ - در کلیه مواردی که بموجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می تواند بضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع بیکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب بدیگری رجوع نماید.

ماده ۴۰۴ - حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر بموجب قرارداد یا قانون متضامناً مسئول انجام تعهدی باشند.

ماده ۴۰۵ - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم بتأدیه نیست ولو اینکه بواسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد.



ماده ۴۰۶ - ضامن حال از قاعده فوق مستثنی است.

ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط باخطر قبلی است این اخطار نسبت بضامن نیز باید بعمل آید.

ماده ۴۰۸ - همینکه دین اصلی بنحوی از انحاء ساقط شده ضامن نیز بری می شود.

قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳



ماده ۴۰۹ - همینکه دین حال شد ضامن می‌تواند مضمون‌له را بدریافت طلب یا انصراف از ضمان ملزم کند ولو ضمان مؤجل باشد.

ماده ۴۱۰ - استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه - اگر دین با وثیقه بوده - ضامن را فوراً و بخودی خود بری خواهد ساخت.

ماده ۴۱۱ - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن بمضمون‌عنه لازم و مفید است باو داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آنرا بضامن تسلیم نماید - اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته مضمون‌عنه مکلف بانجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه بضامن لازم است.

باب یازدهم - در ورشکستگی

فصل اول - در کلیات

ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیة وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تجاری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز میتوان صادر نمود.



فصل دوم - در اعلان ورشکستگی و اثرات آن

ماده ۴۱۳ - تاجر باید در ظرف سه روز از تاریخ وقفه که در تأدیة قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را بدفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجاری خود را بدفتر محکمه مزبوره تسلیم نماید.



ماده ۴۱۴ - صورتحساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و بامضاء تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد:
(۱) تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر متوقف بطور مشروح.
(۲) صورت کلیه قروض و مطالبات.
(۳) صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی.
در صورت توقف شرکتهای تضامنی - مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.



ماده ۴۱۵ - ورشکستگی تاجر بحکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود:

الف) بر حسب اظهار خود تاجر.

ب) بموجب تقاضای يك یا چند نفر از طلبکارها.

ج) بر حسب تقاضای مدعی‌العموم بدایت.



ماده ۴۱۶ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ حکم توقف محسوب است.



ماده ۴۱۷ - حکم ورشکستگی بطور موقت اجرا میشود.



ماده ۴۱۸ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیة دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.



ماده ۴۱۹ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت بتاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند - کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.



ماده ۴۲۰ - محکمه هر وقت صلاح بداند میتواند ورود تاجر ورشکسته را بعنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.

ماده ۴۲۱ - همینکه حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت بمدت بقروض حال مبدل میشود.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳



ماده ۴۲۲ - هر گاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصیکه مسئول تأدیه وجه فته طلب یا برات میباشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت بمدت وجه آنرا نقداً بپردازند یا تأدیه آنرا در سر وعده تأمین نمایند.



ماده ۴۲۳ - هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

- ۱) هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع بمنقول یا غیرمنقول باشد.
- ۲) تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد.
- ۳) هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود.



ماده ۴۲۴ - هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصیکه با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته میشود.

ماده ۴۲۵ - هر گاه محکمه بموجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکومعلیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً بمدير تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر بغرماً تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

ماده ۴۲۶ - اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق بتبانی بوده است آن معامله خود بخود باطل - عین و منافع مالیکه موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جز و غرماً حصه خواهد بود.

فصل سوم - در تعیین عضو ناظر

ماده ۴۲۷ - در حکمیکه بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام میشود محکمه یکنفر را بسمت عضو ناظر معین خواهد کرد.

ماده ۴۲۸ - عضو ناظر مکلف است بنظارت در اداره امور راجعه بورشکستگی و سرعت جریان آن است.

ماده ۴۲۹ - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر بمحکمه راپرت خواهد داد.

ماده ۴۳۰ - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده.

ماده ۴۳۱ - مرجع شکایت محکمه است که عضو ناظر را معین کرده.

ماده ۴۳۲ - محکمه همیشه میتواند عضو ناظر را تبدیل و دیگریرا بجای او بگمارد.

فصل چهارم - در اقدام بمهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت بورشکسته

ماده ۴۳۳ - محکمه در حکم ورشکستگی امر بمهر و موم را نیز میدهد.

ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در يك روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته بمفاد ماده ۴۱۳ - ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.



ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند.

ماده ۴۳۷ - در صورتیکه تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارائی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای يك یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام بمهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را بمدعیالعموم اطلاع دهد.

ماده ۴۳۸ - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر موم شود.

ماده ۴۳۹ - در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی - مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا بموجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.

فصل پنجم - در مدیر تصفیه

معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات - معاونت حقوقی ریاست جمهوری (Qavanin.ir)



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یکنفر را بسمت مدیریت تصفیه معین میکند.



ماده ۴۴۱ - اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار بآنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیر تصفیه علاوه بر آن قسمتی که بموجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد.



ماده ۴۴۲ - میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

**فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه****مبحث اول - در کلیات**

ماده ۴۴۳ - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده ۴۴۴ - عضو ناظر بتقاضای مدیر تصفیه با اجازه میدهد که اشیاء ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید:

۱ - البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است.

۲ - اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.

۳ - اشیائی که برای بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتیکه توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد.

اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

ماده ۴۴۵ - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر بتوسط مدیر تصفیه بعمل میآید.

ماده ۴۴۶ - دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را باتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آن که ذیل دفاتر را بست آنها را بمدیر تصفیه تسلیم مینماید.

دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند - اوراق تجاری هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت بآنها باید اقدامات تأمینیه بعمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و بمدیر تصفیه تحویل میشود تا وجه آنها وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه گرفته میشود بعضو ناظر تسلیم میگردد - سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضیکه میدهد وصول مینماید مراسلاتی که باسم تاجر ورشکسته میرسد بمدیر تصفیه تسلیم و بتوسط او باز میشود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات میتواند شرکت کند.

ماده ۴۴۷ - تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد میتواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائی خود درخواست کند - در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین مینماید.

ماده ۴۴۸ - مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار مینماید برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده میشود در صورتیکه تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام بعمل خواهد آمد - تاجر ورشکسته میتواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد.

ماده ۴۴۹ - در صورتیکه تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فوراً بوسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل مینماید تنظیم میکند.

ماده ۴۵۰ - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارائی و نسبت باوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها ومستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت دارائی

ماده ۴۵۱ - مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارائی نموده و تاجر ورشکسته را هم در اینموقع احضار میکند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست.

ماده ۴۵۲ - مدیر تصفیه بتدریجی که رفع توقیف میشود صورت دارائی را در دو نسخه تهیه مینماید. یکی از نسخین بدفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او میماند.

ماده ۴۵۳ - مدیر تصفیه میتواند برای تهیه صورت دارائی و تقویم اموال از اشخاصیکه لازم بداند استمداد کند صورت اشیائی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارائی خواهد شد.

ماده ۴۵۴ - مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ مأموریت خود صورت خلاصه از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظاهراً بنظر می آید ترتیب داده بعضو ناظر بدهد. عضو ناظر صورت مزبور را فوراً بمدعی العموم ابتدائی محل تسلیم مینماید.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۴۵۵ - صاحب‌منصبان پارکه می‌توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور بهمرسانند. مأمورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه بورشکستگی مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات

ماده ۴۵۶ - پس از تهیه شدن صورت دارائی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (بغیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجر ورشکسته بمدیر تصفیه تسلیم می‌شود.

ماده ۴۵۷ - مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر بوصول مطالبات مداومت مینماید و همچنین می‌تواند با اجازه مدعی‌العموم و نظارت عضو ناظر بفروش اثاث‌البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا لاقلاً مشارالیه را برای دادن توضیحات احضارکند - ترتیب فروش بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.



ماده ۴۵۸ - نسبت بتمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذینفع میباشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می‌تواند دعوی را بصلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنجهزار رالن باشد صلح لازم‌الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلحنامه تاجر ورشکسته احضار می‌شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که بصلح اعتراض کند - اعتراض ورشکسته در صورتیکه صلح راجع باموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده ۴۶۰ - وجوهی که بتوسط مدیر تصفیه دریافت می‌شود باید فوراً بصندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج باز میکند وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی‌گردد مگر بحواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه

ماده ۴۶۱ - مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع بمأموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت بمدیونین او بعمل آورد.

مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها

ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند - در مدتی که بموجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده - اسناد طلب خود یا سواد مصدق آنرا بانضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین مینماید بدفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.



ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتیکه از طرف عضو ناظر معین میگردد - بترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد - تعقیب میشود.

ماده ۴۶۴ - هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزئ صورت حساب دارائی منظور شده می‌تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهمرسانیده و نسبت بطلب هائی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید - همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می‌شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین‌السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است.

ماده ۴۶۶ - عضو ناظر می‌تواند بنظر خود امر بابر از دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده ۴۶۷ - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء نموده و عضو ناظر نیز آنرا تصدیق میکند:

«جزو قروض..... مبلغ..... قبول شد بتاریخ.....»

هر طلبکار باید در ظرف مدت و بترتیبی که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.



ماده ۴۶۸ - اگر طلب متنازع فیه واقع شد عضو ناظر می‌تواند حل قضیه را بمحکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپرت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می‌تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر بعمل آید و اشخاصی را که می‌توانند راجع باین طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده ۴۶۹ - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی بمحکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی بتأخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود.

ماده ۴۷۰ - محکمه می‌تواند در صورت تصمیم بانعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین میکند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۴۷۱ - در صورتیکه طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه میتواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم بعدم تأخیر مجلس نمود نمیتواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده‌اند طلبکار مزبور نمی‌تواند بهیچوجه در عملیات راجعه بورشکستگی شرکت کند.

ماده ۴۷۲ - پس از انقضای مهلت‌های معین در مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ بترتیب قرارداد ارفاقی و بسایر عملیات راجعه بورشکستگی مداومت می‌شود.

ماده ۴۷۳ - طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت بعملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع بتقسیم وجوه قبل از آمدن آنها بعمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد بعمل آید جزء غرما حساب می‌شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق بآنها تعلق میگرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده ۴۷۴ - اگر اشخاصی نسبت باموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرفنظر از آن نمیکنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و بموقع اجرا گذارند.

ماده ۴۷۵ - حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت باموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط براینکه بر ضرر طلبکارها نباشد.

فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده ۴۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظامنامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده بتوسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می‌نماید - موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعتهای دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود.

ماده ۴۷۷ - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود - طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می‌شوند تاجر ورشکسته نیز باین مجمع احضار می‌شود مشارالیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن بتصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده ۴۷۸ - مدیر تصفیه بمجمع طلبکارها راپورتي از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که بعمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد راپورت مزبور بامضاء مدیر تصفیه رسیده بعضو ناظر تقدیم می‌شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلسی ترتیب دهد.

مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی

فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقی

ماده ۴۷۹ - قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمیشود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است.

ماده ۴۸۰ - قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد میشود که لاقلاً نصف بعلاوه یکنفر از طلبکارها با داشتن لاقلاً سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند و الا بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۸۱ - هر گاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عدداً حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلّق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده میشود.

ماده ۴۸۲ - طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها باعتبار خود باقی است - اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود.

ماده ۴۸۳ - اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمیشود - در موقعی که تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب تعقیب میشود لازم است طلب کارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه بزمان حصول نتیجه رسیدگی بتقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول بزمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی بتقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که بموجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.

ماده ۴۸۴ - اگر تاجر بعنوان ورشکستگی بتقسیم محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتیکه تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها میتوانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را تأخیر بیندازند.

ماده ۴۸۵ - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته‌اند میتوانند راجع بقرارداد اعتراض کنند - اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد بمدير تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته باولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی میکند احضار میشوند.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۴۸۶ - قرارداد ارفاقي بايد بتصديق محكمه برسد و هر يك از طرفين قرارداد ميتوانند تصديق آنرا از محكمه تقاضا نمايد.

محكمه نميتواند قبل از انقضاي مدت يكهفته مذكور در ماده قبل تصميمي راجع بتصديق اتخاذ نمايد - هر گاه در ظرف اين مدت از طرف طلبكارهائي كه حق اعتراض دارند اعتراضاتي بعمل آمده باشد محكمه بايد در موضوع اعتراضات و تصديق قرارداد ارفاقي حكم واحد صادر كند - اگر اعتراضات تصديق شود قرارداد نسبت بتمام اشخاص ذينفع بلااثر ميشود.

ماده ۴۸۷ - قبل از آن كه محكمه در باب تصديق قرارداد رأي دهد عضو ناظر بايد راپورتي كه متضمن كيفيت ورشكستگي و امكان قبول قرارداد باشد بمحكمه تقديم نمايد.

ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعايت قواعد مقرر محكمه از تصديق قرارداد ارفاقي امتناع خواهد نمود.

فقره دوم - در اثرات قرارداد ارفاقي

ماده ۴۸۹ - همينكه قرارداد ارفاقي تصديق شد نسبت به طلبكارهائي كه در اكثريت بوده‌اند يا در ظرف ده روز از تاريخ تصديق آنرا امضاء نموده‌اند قطعي خواهد بود ولي طلبكارهائي كه جزو اكثريت نبوده و قرارداد را هم امضاء نكرده‌اند ميتوانند سهم خود را موافق آنچه از دارائي تاجر به طلبكارها ميرسد دريافت نمايند ليكن حق ندارند در آتیه از دارائي تاجر ورشكسته بقيه طلب خود را مطالبه كنند مگر پس از تأديه تمام طلب كسانيكه در قرارداد ارفاقي شركت داشته يا آنرا در ظرف ده روز مزبور امضاء نموده‌اند.

ماده ۴۹۰ - پس از تصديق شدن قرارداد ارفاقي دعوي بطلان نسبت به آن قبول نميشود مگر اينكه پس از تصديق مكشوف شود كه در ميزان دارائي يا مقدار قروض حيلة بكار رفته و قدر حقيقي قلمداد نشده است.

ماده ۴۹۱ - همينكه حكم محكمه راجع بتصديق قرارداد قطعي شد مدير تصفيه صورت حساب كاملي با حضور عضو ناظر بتاجر ورشكسته ميدهد كه در صورت عدم اختلاف بسته ميشود - مدير تصفيه كليۀ دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنين دارائي ورشكسته را باستثناي آنچه كه بايد بطلبكاراني كه قرارداد ارفاقي را امضاء نكرده‌اند داده شود بمشاراليه رد كرده رسيد ميگيرد و پس از آنكه قرار تأديه سهم طلبكاران مذكور را داد مأموريت مدير تصفيه ختم ميشود - از تمام اين مراتب عضو ناظر صورت مجلسي تهيه مينمايد و مأموريتش خاتمه مي يابد - در صورت توليد اختلاف محكمه رسيدگي كرده حكم مقتضي خواهد داد.

فقره سوم - در ابطال يا فسخ قرارداد ارفاقي

ماده ۴۹۲ - در موارد ذيل قرارداد ارفاقي باطل است:

۱ - در مورد محكوميت تاجر بورشكستگي بتقلب.

۲ - در مورد ماده ۴۹۰.

ماده ۴۹۳ - اگر محكمه حكم بطلان قرارداد ارفاقي را بدهد ضمانت ضامن يا ضامن ها (در صورتي كه باشد) بخودي خود ملغي ميشود.

ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشكسته شرايط قرارداد ارفاقي را اجرا نكرد ممكن است براي فسخ قرارداد مزبور بر عليه او اقامه دعوي نمود.

ماده ۴۹۵ - در صورتيكه اجراي تمام يا قسمتي از قرارداد را يك يا چند نفر ضمانت كرده باشند طلبكارها ميتوانند اجراي تمام يا قسمتي از قرارداد را كه ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخير آن قسمت از قرارداد كه ضامن نداشته فسخ ميشود. در صورت تعدّد ضامن مسئوليت آنها تضامني است.

ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشكسته پس از تصديق قرارداد بعنوان ورشكستگي بتقلب تعقيب شده در تحت توقيف يا حبس در آيد محكمه ميتواند هر قسم وسايل تأمينيه را كه مقتضي بداند اتخاذ كند ولي بمحض صدور قرار منع تعقيب يا حكم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع ميشود.

ماده ۴۹۷ - پس از صدور حكم ورشكستگي بتقلب يا حكم ابطال يا فسخ قرارداد ارفاقي محكمه يك عضو ناظر و يك مدير تصفيه معين ميكند.

ماده ۴۹۸ - مدير تصفيه ميتواند دارائي تاجر را توقيف و مهر و موم نمايد مدير تصفيه فوراً از روي صورت دارائي سابق اقدام برسيدگي اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممي براي صورت دارائي ترتيب ميدهد مدير تصفيه بايد فوراً بوسيله اعلان در روزنامه طلبكارهاي جديد را اگر باشند دعوت نمايد كه در ظرف يكماه اسناد مطالبات خود را براي رسيدگي ابراز كنند - در اعلان مزبور مفاد قرار محكمه كه بموجب آن مدير تصفيه معين شده است بايد درج شود.

ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت باسناديكه مطابق ماده قبل ابراز شده رسيدگي ميشود - نسبت بمطالباتيکه سابقاً تشخيص يا تصديق شده است رسيدگي جديد بعمل نمي آيد - مطالباتي كه تمام يا قسمتي از آنها بعد از تصديق پرداخته شده است موضوع مي شود.

ماده ۵۰۰ - معاملاتي كه تاجر ورشكسته پس از صدور حكم راجع بتصديق قرارداد ارفاقي تا صدور حكم بطلان يا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نميشود مگر در صورتيكه معلوم شود بقصد اضرار بوده و بضرر طلبكاران هم باشد.

ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ يا ابطال قرارداد ارفاقي دارائي تاجر بين طلبكاران ارفاقي و اشخاصيكه بعد از قرارداد ارفاقي طلبكار شده‌اند بغيرما تقسيم مي‌شود.

ماده ۵۰۲ - اگر طلبكاران ارفاقي بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ يا ابطال چيزي گرفته‌اند مأخوذي آنها از وجهي كه به ترتيب غرما به آنها مي‌رسد كسر خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هر گاه تجاري ورشكست و امرش منتهي بقرارداد ارفاقي گرديد و ثانياً بدون اينكه قرارداد مزبور ابطال يا فسخ شود ورشكست شد مقررات دو ماده قبل در ورشكستگي ثانوي لازم‌الاجرا است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

مبحث سوم - در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی

ماده ۵۰۴ - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً بعملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده ۵۰۵ - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده (۴۸۰) موافقت نماید محکمه مبلغی را برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معین خواهد کرد.

ماده ۵۰۶ - اگر شرکت تضامنی - مختلط یا نسبی ورشکست شود طلبکارها میتوانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصرأ با يك یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند. در صورت ثانی دارائی شرکت تابع مقررات این مبحث و بغرما تقسیم میشود ولی دارائی شخصی شرکائی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است بغرما تقسیم نخواهد شد - شریک یا شرکاء ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی توانند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان - شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت ضمانتی مبری است.

ماده ۵۰۷ - اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند می توانند برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا بخود مدیر تصفیه این مأموریت را بدهند.

ماده ۵۰۸ - در ضمن تصمیمی که وکالت مذکور در ماده فوق را مقرر می‌دارد باید مدت و حدود وکالت و همچنین میزان وجهی که وکیل میتواند برای مخارج لازمه پیش خود نگهدارد معین گردد - تصمیم مذکور اتخاذ نمیشود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع از طلبکارها عددأ و مبلغأ - خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهای مخالف (با رعایت ماده ۴۷۳) می توانند نسبت باین تصمیم در محکمه اعتراض نمایند - این اعتراض اجرای تصمیم را بتأخیر نمیاندازد.

ماده ۵۰۹ - اگر از معاملات وکیل یا عاملیکه تجارت ورشکسته را ادامه می دهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حد دارائی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه را داده‌اند شخصأ علاوه بر حصه که در دارائی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتیکه داده‌اند مسئول تعهدات مذکوره می باشند.

ماده ۵۱۰ - در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر بتفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را بفروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته بعمل می‌آید. اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی‌العموم کافی است - فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد.



ماده ۵۱۱ - همینکه تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت مینماید. در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد.

ماده ۵۱۲ - هر گاه اموالی در اجازه تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقاء اجازه بنحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم میکند - اگر تصمیم بر فسخ اجازه شد صاحبان اموال مستأجره از بابت مال‌الاجاره که تا آن تاریخ مستحق شده‌اند جزو غرما منظور میشوند اگر تصمیم بر ابقاء اجازه بوده و تأمیناتی هم سابقاً بموجب اجازه نامه بموجر داده شده باشد آن تأمینات ابقاء خواهد شد و الا تأمیناتی که پس از ورشکستگی داده می شود باید کافی باشد - در صورتیکه با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجازه موجر راضی بفسخ نشود حق مطالبه تأمین را نخواهد داشت.

ماده ۵۱۳ - مدیر تصفیه میتواند با اجازه عضو ناظر اجازه را برای بقیه مدت بدیگری تفویض نماید (مشروط بر اینکه بموجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض بغیر باید وثیقه کافی که تأمین پرداخت مال‌الاجاره را بنماید بمالك اموال مستأجره داده و کلیه شرایط و مقررات اجازه نامه را بموقع خود اجرا کند.

فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر يك از آنها

مبحث اول

در طلبکارهاییکه رهینه منقول دارند

ماده ۵۱۴ - طلبکارهایی که رهینه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند.



ماده ۵۱۵ - مدیر تصفیه میتواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جزو دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد.

ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فك نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی‌العموم آنرا بفروش برساند و مرتبن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکار باشد مازاد بمدير تصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتبن برای بقیه طلب خود در جزو طلبکارهای عادی در غرما منظور خواهد شد.

ماده ۵۱۷ - مدیر تصفیه صورت طلبکارهایی را که ادعای وثیقه مینمایند بعضو ناظر تقدیم میکند. عضو مزبور در صورت لزوم اجازه میدهد طلب آنها از اولین وجهی که تهیه میشود پرداخته گردد در صورتیکه نسبت بحق وثیقه طلبکارها اعتراض داشته باشند بمحکمه رجوع میشود.

مبحث دوم

در طلبکارهاییکه نسبت باموال غیر منقول حق تقدم دارند



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۵۱۸ - اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده قبل از تقسیم دارائی منقول یا در همان حین بعمل آمده باشد طلبکارهائی که نسبت باموال غیرمنقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبور کفایت طلب آنها را ننموده است نسبت ببقیه طلب خود جزو غرماء معمولی منظور و از وجوهی که برای غرماء مزبور مقرر است حصه میبرند مشروط بر اینکه طلب آنها بطوریکه قبلاً مذکور شده است تصدیق شده باشد.

ماده ۵۱۹ - اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده وجهی از بابت دارائی منقول تقسیم شود طلبکارهائی که نسبت باموال غیرمنقول حقوقی دارند و طلب آنها تصدیق و اعتراف شده است بمیزان کلیه طلب خود جزو سایر غرما وارد و از وجوه مزبوره حصه میبرند ولی عندالاقضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از طلب آنها موضوع می شود.

ماده ۵۲۰ - در مورد طلبکارهائی که نسبت باموال غیرمنقول حقوقی دارند ولی بواسطه مقدم بودن سایر طلبکارها نمی توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیرمنقول طلب خود را تماماً وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود:

اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از بابت طلب خود وجهی دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه که از بابت اموال غیرمنقول بآنها تعلق میگیرد موضوع و بحصه که باید بین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه میگردد و بقیه طلبکارهائی که در اموال غیرمنقول ذیحق بودهاند برای بقیه طلب خود بنسبت آن بقیه جزو غرما محسوب شده حصه میبرند.

ماده ۵۲۱ - اگر بواسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهائی که نسبت باموال غیرمنقول حقوق دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزو غرما محسوب و بدین سمت هر معامله که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می شود با آنها نیز بعمل خواهد آمد.

فصل نهم

در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده ۵۲۲ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانه که ممکن است بتاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید بصاحبان مطالبات ممتازه تأدیه گردد مجموع دارائی منقول بین طلبکارها بنسبت طلب آنها که قبلاً تشخیص و تصدیق شده است خواهد شد.

ماده ۵۲۳ - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یکمرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را با تعیین وجوه موجوده بعضو ناظر میدهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر بتقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آنها را معین و مواظبت مینماید که بتمام طلبکارها اطلاع داده شود.

ماده ۵۲۴ - در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه بنسبت طلب آنها که در صورت دارائی و قروض منظور شده است موضوع میگردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارائی و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر میتواند حصه موضوعی را زیاد کند. برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع کرد.

ماده ۵۲۵ - وجوهیکه برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده بطور امانت بمندوق عدلیه سپرده خواهد شد - اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را بتصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهائی که طلب آنها بتصدیق رسیده تقسیم میگردد. وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهائی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می شود.

ماده ۵۲۶ - هیچ طلبی را مدیر تصفیه نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آنها قبلاً ملاحظه کرده باشد مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید میکند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند میتواند اجازه دهد که بموجب صورت مجلسی که طلب در آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود در هر حال باید طلبکارها رسید وجه را در ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.

ماده ۵۲۷ - ممکن است هیئت طلبکارها با استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده بطوریکه صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را بعمل خواهد آورد - در این خصوص هر طلبکاری میتواند بعضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ بنمایند.

فصل دهم - در دعوی استرداد

ماده ۵۲۸ - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتی باو داده باشد که وجه آنها وصول و بحساب صاحب سند نگاهدارد و یا بمصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تأدیه نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن میتوانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده ۵۲۹ - مال التجارهائی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا بمشارالیه داده شده است که بحساب صاحب مال التجاره بفروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور بامانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۰ - مال التجارهائی که تاجر ورشکسته بحساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسیکه بحساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده ۵۳۱ - هر گاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش بتاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و بهیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین هر مال متعلق بدیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۵۳۲ - اگر مال التجارة که براي تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روي صورت حساب يا بارنامه که داراي امضاء ارسال کننده است بفروش رسیده و فروش صوري نباشد دعوي استرداد پذيرفته نمیشود و الا موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده بايد وجوهي را که بطور علي الحساب گرفته يا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تأدیه شده يا از این بابت‌ها باید تأدیه بشود بطلبکارها بپردازند.

ماده ۵۳۳ - هر گاه کسی مال التجارة بتاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه بکس دیگر که بحساب او بیاورد آن کس میتواند باندازه که وجه آنرا نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند.

ماده ۵۳۴ - در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه میتواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولي باید قيمتي را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۵۳۵ - مدیر تصفیه میتواند با تصویب عضو ناظر تقاضاي استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظر حکم مقتضي را میدهد.

فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع بورشکستگی

ماده ۵۳۶ - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمي که بموجب آن تاريخ توقف تاجر در زماني قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.



ماده ۵۳۷ - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه بعمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاريخي است که احکام مذکوره اعلان میشود.



ماده ۵۳۸ - پس از انقضای مهلتی که براي تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع بتعیین تاريخ توقف بغیر آن تاريخي که بموجب حکم ورشکستگی يا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد - همینکه مهلهای مزبور منقضی شد تاريخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.



ماده ۵۳۹ - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاريخ ابلاغ است - باین مدت براي کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یکروز اضافه میشود.



ماده ۵۴۰ - قرارهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست:

۱) قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه.

۲) قرارهای راجعه به تقاضای اعانه بجهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.

۳) قرارهای فروش اسباب یا مال التجارة که متعلق بورشکسته است.

۴) قرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر میدارد.

۵) قرارهای صادره در خصوص شکایت از اوامري که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.

**باب دوازدهم - در ورشکستگی بتقصیر و ورشکستگی بتقلب****فصل اول - در ورشکستگی بتقصیر**

ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل ورشکسته بتقصیر اعلان میشود:

۱) در صورتیکه محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است.

۲) در صورتیکه محقق شود که تاجر نسبت بسرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

۳) اگر بقصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر بهمان قصد وسایلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد.

۴) اگر یکی از طلبکارها را پس از تاريخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

۱) اگر بحساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر بوضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.

۲) اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد.

۳) اگر از تاريخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳



ماده ۵۴۳ - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا سه سال حبس تأدیبی است.



ماده ۵۴۴ - رسیدگی بجرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر يك از طلبکارها یا تعقیب مدعی‌العموم در محکمه جنحه بعمل می‌آید.

ماده ۵۴۵ - در صورتیکه تعقیب تاجر ورشکسته بتقصیر از طرف مدعی‌العموم بعمل آمده باشد مخارج آنرا بهیچوجه نمیتوان بهیئت طلبکارها تحمیل نمود - در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مأمورین اجرا نمیتوانند اقدام بوصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدتهای معینه در قرارداد.

ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها میشود در صورت برائت تاجر بعهدۀ هیئت طلبکارها و در صورتیکه محکوم شد بعهدۀ دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید.

ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمیتواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی بتقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر.

ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل می‌آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته بعهدۀ دولت و در صورت برائت ذمه بعهدۀ تعقیب کننده است.

فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب

ماده ۵۴۹ - هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و یا بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را بوسیله اسناد و یا بوسیله صورت دارائی و قروض بطور تقلب بمیزانی که در حقیقت مدیون نمیباشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات میشود.

ماده ۵۵۰ - راجع بتقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم‌الرایه است.

فصل سوم - در جنحه و جانیاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب میشوند

ماده ۵۵۱ - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا بمجازات ورشکسته بتقلب محکوم خواهند شد:

(۱) اشخاصیکه عالماً بنفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارائی منقول یا غیرمنقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند.

(۲) اشخاصیکه بقصد تقلب باسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ التزام داده باشند.

ماده ۵۵۲ - اشخاصیکه باسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده‌اند بمجازاتیکه برای ورشکسته بتقلب مقرر است محکوم می‌باشند.

ماده ۵۵۳ - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاهدارند بمجازاتیکه برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

ماده ۵۵۴ - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی میکند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشد - حکم بدهد:

(۱) راجع برد کلیه اموال و حقوقیکه موضوع جرم بوده است بهیئت طلبکارها - این حکم را محکمه در صورتیکه مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.

(۲) راجع بضرر و خساراتیکه ادعا شده است.

ماده ۵۵۵ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی بامور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۶ - هر گاه مدیر تصفیه اعم از اینکه طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه بورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد بنفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه بحسب تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۵۷ - کلیه قراردادهائی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت بهر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است - طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که بموجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است باشخاص ذیحق مسترد دارد.

ماده ۵۵۸ - هر حکم محکومیتی که بموجب این فصل یا بموجب فصول سابق صادر بشود باید بخرچ محکوم‌علیه اعلان گردد.

فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی بتقصیر یا بتقلب

ماده ۵۵۹ - در تمام مواردی که کسی بواسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم می‌شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی بغیر از آنچه در ماده ۵۵۴ مذکور است از صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده ۵۶۰ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی‌العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازم را باو بدهد.

باب سیزدهم - در اعاده اعتبار



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۵۶۱ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می‌نماید.



ماده ۵۶۲ - طلبکارها نمی‌توانند از جهت تأخیری که در ادای طلب آنها شده است برای بیش از پنجسال مطالبه متفرعات و خسارت نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه میشود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب باشد.



ماده ۵۶۳ - برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است ولو اینکه نسبت بشخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.

ماده ۵۶۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقودالثر یا غائب بوده یا اینکه از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع مدعی‌العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همینکه تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است بری‌الذمه محسوب است.

ماده ۵۶۵ - تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنجسال از تاریخ اعلان ورشکستگی میتواند اعتبار خود را اعاده نمایند:
(۱) تاجر ورشکسته که تحمیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که بموجب قرارداد بعده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحمیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت میشود.
(۲) تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند.

ماده ۵۶۶ - عرضحال اعاده اعتبار باید بانضمام اسناد مثبته آن بمدعی‌العموم حوزه ابتدائی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است.

ماده ۵۶۷ - سواد این عرضحال در مدت یکماه در اتاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره مدعی‌العموم بدایت الصاق و اعلان میشود بعلاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرضحال مزبور را بکلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده وهنوز طلب خود را بر طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کاملاً دریافت نکرده‌اند بوسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.

ماده ۵۶۸ - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کاملاً دریافت نکرده میتواند در مدت یکماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل بعرضحال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده ۵۶۹ - اعتراض بوسیله اظهارنامه که بضمیمه اسناد مثبته بدفتر محکمه بدایت داده میشود بعمل می‌آید - طلبکار معترض می‌تواند بموجب عرضحال در حین رسیدگی بدعوی اعاده اعتبار بطور شخص ثالث ورود کند.

ماده ۵۷۰ - پس از انقضای موعده نتیجه تحقیقاتی که بتوسط مدعی‌العموم بعمل آمده است بانضمام عرایض اعتراض بر رئیس محکمه داده میشود رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین را بجلسه خصوصی محکمه احضار میکند.

ماده ۵۷۱ - در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار میدهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده بطوریکه مقتضی عدل و انصاف بداند حکم میدهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده ۵۷۲ - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهای معترض میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم بوسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند - محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر میکند.

ماده ۵۷۳ - اگر عرضحال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه.

ماده ۵۷۴ - اگر عرضحال قبول شود حکمی که صادر میگردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای اینکار مقرر است ثبت خواهد شد. اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه که حکم میدهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز بحکم مزبور اشاره میشود.

ماده ۵۷۵ - ورشکستگان بتقلب و همچنین اشخاصیکه برای سرقت یا کلاه برداری یا خیانت در امانت محکوم شده‌اند مادامی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده‌اند نمی‌توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند.

باب چهاردهم - اسم تجارتي

ماده ۵۷۶ - ثبت اسم تجارتي اختیاری است مگر در مواردیکه وزارتعدلیه ثبت آنرا الزامی کند.

ماده ۵۷۷ - صاحب تجارخانه که شریک در تجارخانه ندارد نمیتواند اسمی برای تجارخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.

ماده ۵۷۸ - اسم تجارتي ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی‌تواند اسم تجارتي خود قرار دهد ولو اینکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

ماده ۵۷۹ - اسم تجارتي قابل انتقال است.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۵۸۰ - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنجسال است.



ماده ۵۸۱ - در مواردیکه ثبت اسم تجارتي الزامي شده در موعد مقرر ثبت بعمل نیاید اداره ثبت اقدام بثبت کرده و سه برابر حق‌الثبت مأخوذ خواهد داشت.

ماده ۵۸۲ - وزارت‌تعدلیه بموجب نظامنامه ترتیب ثبت اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوي مربوطه باسم تجارتي را معین‌خواهد کرد.



باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

فصل اول - اشخاص حقوقی

ماده ۵۸۳ - کلیه شرکت‌های تجارتي مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.



ماده ۵۸۴ - تشکیلات و مؤسساتیکه برای مقاصد غیر تجارتي تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا میکنند.



ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق بموجب نظامنامه وزارت‌تعدلیه معین خواهد شد. حق‌الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.



ماده ۵۸۶ - مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد.

ماده ۵۸۷ - مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی بمحض ایجاد و بدون احتیاج بثبت دارای شخصیت حقوقی میشوند.



فصل دوم - حقوق و وظائف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف اَبوت - نبوت و امثال ذالک.



ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی بوسیله مقاماتیکه بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته میشود.

ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

باب شانزدهم - مقررات نهائی

ماده ۵۹۲ - در مورد معاملاتی که سابقاً تجار یا شرکتها و مؤسسات تجارتي باعتبار بیش از يك امضاء کرده‌اند خواه بعضی از امضاءکنندگان بعنوان ضامن امضاء کرده باشند خواه بعنوان دیگر طلبکار میتواند بامضاءکنندگان مجتمعاً یا منفرداً رجوع نماید.

ماده ۵۹۳ - در مورد ماده فوق مطالبه از هر يك از اشخاصی که طلبکار حق رجوع بآنها دارد قاطع مرور زمان نسبت بدیگران نیز هست.

ماده ۵۹۴ - باستثنای شرکت‌های سهامی و شرکت‌های مختلط سهامی بکلیه شرکت‌های ایرانی موجود که بامور تجارتي اشتغال دارند تا اول تیر ماه ۱۳۱۱ مهلت داده میشود که خود را با مقررات یکی از شرکت‌های مذکور در اینقانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند و الا نسبت بشرکت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد.



ماده ۵۹۵ - هر گاه مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تا ششماه دیگر از طرف محکمه صلاحیتدار مهلت‌اضافی داده شود مشروط بر اینکه در موقع تقاضای تمدید نصف حق‌الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده ۵۹۶ - تاریخ اجرای ماده ۱۵ این قانون در آن قسمتی که مربوط بجزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده ۲۰۱ و تبصره آن و قسمت اخیر ماده ۲۲۰ اول فروردین ۱۳۱۲ خواهد بود.



قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳

ماده ۵۹۷ - شرکت های مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف ۶ ماه از تاریخ اجرای این قانون هیئت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الا هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده ۵۹۸ - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده‌اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و از حقی که بموجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده ۵۹۹ - نسبت بطلبکارانی که در امور ورشکستگی‌های سابق قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده‌اند مدیر تصفیه هرورشکسته اعلانی منتشر کرده و یکماه بآنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده ۴۶۲ اینقانون رفتار کنند و الا مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهند شد.

ماده ۶۰۰ - قوانین ذیل:

قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ - قانون اصلاح ماده ۲۰۶ قانون تجارت راجع باعتراض عدم تأدیه مصوب ۲ تیر ماه ۱۳۰۷
- قانون اجازه عدم رعایت ماده ۲۷۰ و قسمتی از ماده ۴۴ قانون تجارت نسبت بتشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب ۳۰ تیر ماه ۱۳۰۷ از تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۱۱ نسخ و این قانون از تاریخ مزبور بموقع اجرا گذاشته میشود.



چون بموجب قانون ۳۰ فروردین ۱۳۱۰ «وزیر عدلیه مجاز است لوائح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید» علیهذا (قانون تجارت) مشتمل بر ششصد ماده که در تاریخ سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده است قابل اجراست.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات - معاونت حقوقی ریاست جمهوری (Qavanin.ir)

